

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۶۳ برابر با ۱۰ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۹

به مناسبت انتشار برنامه سازمان
برای دفاع از زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهیم!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن انتشار برنامه همه جانبه ای برای دفاع از زندانیان سیاسی، همه نیروهای مترقی و میهن پرست را به تشدید و هماهنگی مبارزه در راه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی فراخوانده است. فراخوان کمیته مرکزی سازمان مایکارد یگر اهمیت ویژه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی را در این عرصه یادآوری می نماید. همانگونه که ما در صفحات این نشریه منعکس کرده ایم، زندانهای جمهوری اسلامی آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی است. وضعیت زندانیان سیاسی در ایران؛ یکی از دردناکترین جنبه های عمل رژیم راه نمایش می گذارد. در زندانهای ایران دهها هزار تن از شریف ترین مردم میهنمان، رویاروی جلادانی قرار گرفته اند که به شقاوت آنها کمتر دیده شده است. در نظر زندانیان، زندانیان سیاسی در حکم گروگانهایی می باشند که از هرق و حقوقی بی بهره اند. با اعمال سبانه ترین اشکال شکنجه و ارباب بران هستند تا مقاومت و شرافت آنها را درهم بشکنند. اما با بقیه در صفحه ۱۱

ابتدائی ترین حقوق انسانی زنان پایمال تفکرات ضد بشری حاکمیت جمهوری اسلامی

پرست و مترقی و همچنین همه خوانندگان خود می خواهیم با انعکاس گسترده اینگونه مطالب و تصویب وجهی که رژیم برای زنان میهنمان آفریده است مبارزه علیه ارتجاع و تاریک اندیشی را توانمند تر سازند.
بقیه در صفحه ۶

از طرف گروهی از زنان مبارز میهنمان نامه ای در مورد شرایط و وضعیت زنان در جمهوری اسلامی برای نشریه ارسال شده است. مابرا، انعکاس گویای از جنایات جمهوری اسلامی در این عرصه به درج متن کامل آن می پردازیم و از همه سازمانها و نهادها و انجمنهای میهن

تهاجمات وسیع رژیم در کردستان و مقاومت خلق کرد

که مرکز فرماندهی نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان است، اخیراً در منطقه شمال غربی کردستان یورش وسیعی انجام پذیرفته که متعاقب آن ادعا شد روستاها و ارتفاعات بسیاری از این منطقه به تصرف رژیم درآمده است. این عملیات به دنبال یورش گسترده ای صورت می گیرد که در جریان آن اعلام شد ۷۰ روستای خاک و بقیه در صفحه ۲

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، با توجه به تجربیاتی که از به خاک و خون کشیدن خلق کرد، به دست آورده اند، برای تصرف مناطق آزاد شده در کردستان، شیوه تهاجمات وسیع را در پیش گرفته اند. اتخاذ این شیوه بیش از هر چیز نشان دهنده ابعاد مقاومت رزمندگان کرد در برابر ددمنشی های جمهوری اسلامی است. بنابراین اطلاع "قرارگاه حمزه"

جوانان میهنمان در جهنم جمهوری اسلامی

پرتوان و اندیشه های خلاق و پویایشان، در جهت پی افکندن جامعه ای سعادتمند بکار آید. اما اکنون، با گذشت نزدیک به ۶ سال از انقلاب نه تنها تمامی چشم اندازهای نوید بخش، در پی سیاهکاریهای حکام ج.ا.ی. به تیرگی غلیظی گزاینده، بلکه سلامت جسمی و روانی جوانان بقیه در صفحه ۳

با پیروزی انقلاب بهمین، جوانان میهنمان به حق انتظار داشتند که اقله های روشن، مطمئن و نویی فراروی آنها گشوده شود و دیگر نشانی از محرومیت های اقتصادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی که نتیجه سیاست و ضد مردمی شاه معدوم بود، در جامعه نماند و دستشان

به مناسبت ۱۴ مرداد روز اعلام مشروطیت

انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

نیست غیر از خون پاکان، خونهای انقلاب

به عنوان یکی از فرازهای عهده جنبش رهایی بخش ضد استبدادی و ضد امپریالیستی میهنمان - باقی بماند، برای این که یک واقعیت تاریخی، از دیدگاه خلق تبیین گردد، این روز را بایست روز تحمیل قانون اساسی، بر سلاطین خون آشام بقیه در صفحه ۵

۱۴ مرداد روز انقلاب مشروطیت - نامیده اند. از نظر مورخین بورژوازی و درباری، این روز سالگرد توشیح "قانون اساسی مشروطه، از جانب مظفردالدین شاه قاجار است، مظفر" عدل مظفر" و مراحم ملوکانه. اما اگر قرار باشد ۱۴ مرداد، همچنان شاخص انقلاب مشروطه -

به مناسبت هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت انگلس

"چه مشعل فروزانی از خود خاموش گشت

و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد"
در صفحه ۱۰

راهیمائی صلح سوئد عرصه
کلوزار علیه سیاستهای جنگ طلبانه
ومیلیتاریستی امپریالیسم
در صفحه ۴

هیروشیما و ناکازاکی،

افشاگر چهره پلید امپریالیسم آمریکا

با اکثریت ساکنین آن، در عرض چند لحظه به خاکستر تبدیل شدند. هنوز هم، عبوا قنب تشعشعات اتمی ناشی از این انفجار، باعث ناقص الخلقه بد دنیا آمدن کودکان و انتقال نسل به نسل انواع بیماری های ارثی در میان بازماندگان فاجعه و فرزندان آنها می گردد. دولت آمریکا هنگامی دست به این جنایت بقیه در صفحه ۴

۳۹ سال پیش، در ششم و نهم اوت ۱۹۴۵ به دستور ترومن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، برای نخستین بار در تاریخ، دو شهر ژاپنی هیروشیما و ناکازاکی مورد حمله اتمی قرار گرفتند. جهانیان با پدیده ای بنام تا بودی جمعی آشنا شدند. انفجار این دو بمب اتمی به کشتار مردم بیگناه با ابعاد کاملاً بی سابقه انجامید. دو شهر نامبرده، به کلی ویران گشته

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

به مناسبت انتشار برنامه سازمان برای دفاع از زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهیم!

بقیه از صفحه اول

و چون در زندانهای قرون وسطایی رژیم، مقاومت و پایداری غرور آفرین زندانیان سیاسی دامنه پیگیری و لایروبیهای رزمندگان خلق افزایش می یابد. آنها نه تنها به مظالم و جلا دادن و مرتجعین تکلیف نمی کنند، بلکه بنحوی روزافزون بر حقوق و مطالبات خود پای می فشرند. با وجود حاکمیت شکنجه و شلاق بر زندانیان ایران، زندانیان سیاسی از همه اشکال ممکن برای تحمیل حقوق خود بر رژیم سود می جویند. اعتصاب زندانیان سیاسی اهواز، اعتراض جمعی در قزل حصار، پافشاری در کسب خواسته های رفاهی در اوین و ... گوشه ها و اشکالی از مبارزه ای است که در زندانهای میهن بلاکشیده ماجریان دارد.

وضعیت هو لنگ زندانیان رژیم، نفرت و انزجار عمیق مردم میهنان را علیه حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی برانگیخته است. همراهی و همدردی گسترده مردم با خانواده واقو ام شهدای زندانیان سیاسی، جلوه ای از انزوای رژیم در این عرصه است.

در جهان نیز زندانیان سیاسی ایران از وسیع ترین حمایتها برخوردار شده اند. جبهه نیرومندی از نیروهای مترقی و آزاد یخواه از مطالبات آنها پشتیبانی می کنند. پشتیبانی این جبهه نیرومند، به سهم خود دفنار سنگینی بر مرتجعین حاکم بر ایران وارد آورده است. رژیم اگرچه همچنان می کوشد از تمکین به خواسته های مردم ما و بشریت آزاد یخواه و خیراندیش سر باز زند، اما بنحوی دم افزون از توان مقاومت کاسته می شود. برای درهم شکستن سماجت رژیم باید از همه امکانات و مقدرات سو د جست. کوشش در شناخت و بکارگیری امکانات و زمینه هایی که برای دفاع از زندانیان سیاسی وجود دارد و وظیفه همه سازمانها و کسانی است که حقوق و شرافت انسانی را پاس می دارند.

انتشار فراخوان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) بیانگر جایگاه ویژه جنبش دفاع از زندانیان سیاسی در میهنان مجموعه جنبش خلق است. برنامه مدون منتشره چارچوب معین و معتبری برای پیشبرد کوشش در دفاع از این زندانیان رافراهم آورده است. در میان مجموعه مبارزاتی که در این عرصه صورت گرفته است، مبارزه ایرانیان مقیم خارج از کشور سهم ارزنده ای دارد. کمیته مرکزی سازمان مخاطران می سازد که:

"ایرانیان آزاد یخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور در حال حاضر می توانند نقش بسیار مهمی در دفاع از زندانیان سیاسی ایفا کنند. آنان باید به هر وسیله ممکن شخصیتها، احزاب و محافل مترقی جهان را از جنایاتی که در زندانهای ایران می گذرد، آگاه سازند. باید به هر شکل ممکن توجه جهانیان را نسبت به آنچه که در میهن بلاکشیده مای گذرد جلب کرد. هواداران سازمان در خارج از کشور تاکنون

تهاجمات وسیع رژیم در کردستان و مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه اول

خون کشیده شده است.

در سال جاری، طبق اخباری که از کردستان می رسد، هیچ یک از تهاجمات رژیم با موفقیت توأم نبودند. نیروهای سرکوبگر نتوانستند حاکمیت پایگاههای قبلی خود را به میزان محدودی گسترش دهند که در مقابل با تلفاتی که داده اند، پیروزی محسوب نمی شوند. به عنوان نمونه یورش به مناطق آزاد شد سردشت که در همین یورش گسترده یک سال اخیر رژیم در منطقه کردستان بود، منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۶۰ تن از نیروهای سرکوبگر گردید. نیروهای رژیم در جریان این حمله روستاهای "گل کلک"، "کانی زرد"، "داودا"، "دولشو"، "قاپوله"، "پوبانه"، "سیی داره"، "سیوه مرگ"، "ناشیونه"، "دارمه کون"، ... را به زیر آتش سلاحهای سنگین خود قراردادند، خانه های بسیاری را ویران ساختند و چندین روستایی را که در میان آنان کودکان ده ساله نیز، به چشم می خورد به شهادت رساندند. از مناطق نزدیک به ترکیه نیز خبر می رسد که نیروهای سرکوبگر رژیم در همدستی با ارتش مزدور ترکیه، پیشمرگان را مورد تاخت و تاز و حمله خود قرار داده اند. همکاری با ارتش ترکیه برای سرکوب جنبش خلق کرد در ایران و نیز در ترکیه، بر مبنای توافق که سران دو رژیم به عمل آورده اند، هر روز در ابعاد بیشتری می یابد. همدستی با این برادر ناتویسی نیز نخواهد توانست در کردستان برای رژیم چاره ساز باشد و تنها برداشته بی آبرویی ها و سیاهکاریهای جمهوری اسلامی خواهد افزود.

زندانیان سیاسی بی توجه به تفاوتها و مذہبی، عقیدتی و ... در این مبارزه و نتایج آن سهیمند. همپیک در زندانها، زندانیان سیاسی در گزینش نمایندند بند، تنظیم تشکل های داخلی و ... به و ابستگی های سازمانی بلکه به شایستگی های یکدیگر نظری کنند. این وضعیت را خریدمندی زندانیان سیاسی در زمینهای ریایی واقع بینانه از وضعیت زندان بطور اخص و وضعیت میهن ما بطور اعم بوجو داده است. برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی نیز همین شیوه باید در پیش گرفته شود. کوشش در غلبه بر موانع موجود، لاینفک از مبارزه ای است که در پیش گرفته ایم. هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور برای غلبه بر موانع موجود از هیچ کوششی فر گذار نخواهند کرد و از مبارزه مشترک برای دفاع از زندانیان سیاسی در هر سطحی که باشد استقبال خواهند کرد. هیچ میهن پرستی نباید با گریز از مبارزه مشترک برای کسب حقوق زندانیان سیاسی شانه خالی کرده و نیروها را هرز دهد. مبارزه مشترک مای گمان پیروز خواهد شد.

با برپایی راه پیمایی ها، اعتصابات، اجتماعات تحصن ها و با مراجعه به مقامات و مجامع بین المللی و سازمانها و شخصیت های مترقی و آزاد یخواه توانسته اند نیروی عظیمی را علیه رژیم های جمهوری اسلامی بسیج نمایند. این مبارزه که همراه با مبارزات توده ایها و دیگر نیروهای مترقی و میهن پرست پیش رفته است، تاثیر سزایی در افشا و انزوای جمهوری اسلامی برجای گذاشته است. اینک با ارائه برنامه مدون سازمان، امکانات تازه تر و مشخص تری برای ادامه این مبارزه توقف ناپذیر فراهم شده است. ضمن اینکه باید مبارزه خود را تا آزادی بی قید و شرط آخرین زندانی سیاسی ایران پیگیرانه ادامه دهیم. ضروری است مبارزه حول حقوق زندانیان سیاسی نیز پیگیرانه دنبال شود. این حقوق و مطالبات که باروشنسی و صراحت و بطور همه جانبه در این برنامه، بازتاب یافته است، باید در وسیع ترین سطح ممکن در خارج از کشور طرح شود.

مطالبات مندرج در برنامه، مبتنی بر حقوق شناخته شده و تایید شده زندانیان سیاسی در ضوابط و قوانین بین المللی است و تنها جنایت پیشگانی از طراز سردمداران جمهوری اسلامی می تواند آنها را انکار نماید. طرح وسیع و پیگیر این مطالبات، می تواند وسیع ترین نیرو را حول آن گرد آورد. این برنامه نه تنها مبتنی بر آمال زندانیان سیاسی و مردم ایران می باشد، بلکه با آرمانهای خیراندیشان به بشریت ترقیخواه، مجامع، محافل و شخصیت های آزاد یخواه نیز انطباق دارد. با نشر وسیع آن در خارج از کشور می توان و باید مبارزه در عرصه ملی و بین المللی راهمانگ نمود. ضرورت این هماهنگی اهمیت و وظیفه ای را که هواداران فدایی در خارج از کشور بر عهده گرفته اند، آشکار می سازد. جستجو و بکارگیری پیگیر همه زمینه هایی که برای طرح آن وجود دارد و وظیفه ای درنگ ناپذیر است، تا در ادامه مبارزات غرور آفرین هواداران سازمان، این خواسته ها بطور مشخص و مدون به گوش جهانیان برسد.

روشن است که این مبارزه، امر مشترک همه ایرانیان آزاد یخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور می باشد. هواداران سازمان در خارج از کشور به پیروی از مضمون استوار و متین سازمان، از هرگونه عمل مشترک میان نیروهای مترقی و میهن پرست، در این زمینه نیز استقبال می کنند. اشتباه هو لنگی خواهد بود هرگاه راه دیگری ترجیح داده شود. رجحان تشکل بر تشکل تنها به کام جلا دادن خواهد بود. اینک در زندانها رژیم، همبستگی میان زندانیانی که شلاق مرتجعین مشترک برشان هایشان فرود می آید، دم افزون است. رنج هر زندانی، رنج مشترک تمامی زندانیان مبارز است. ثمره مبارزه ای که در زندان به قیمت مرگ و زندگی پیش می رود، در انحصار دست و گروهی از زندانیان قرار نمی گیرد. همه

جوانان میهنمان در جهنم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

میهنمان، آماج تبهکارانه ترین سیاستهای ارتجاعی قرار گرفته است.

امروز، سینه پرشوردها هزارتن از دختران و پسران جوان کشورمان، تنهایی گناه عشق به میهن و انقلاب، و عدالت و آزادی با گلوله‌های سربین جنایتکاران از زهم شذافته است و دهها هزارتن از بهترین فرزندان میهن، در کشتارگاهها رژیم با سبعمانه ترین شکنجه‌های جسمی و روانی مواجهند. هزاران جوان انقلابی و مبارز، به خاطر حضور در صفوف سازمانها و احزاب مترقی و آزاد یخواه تحت پیگرد فاشیستی قرار دارند.

اکنون، هستی دهها هزار نوجوان و جوان ایرانی، ناجوانان عدوانانه در کوره‌های جنگ سوخته و خاکستر شده است و هزاران معلول جسمی و ذهنی، بخشی از قربانیان سیاستهای حماقت‌آمیز و خائنانانه رهبران چپ در اصرار به ادامه این جنگ ابلهانه محسوب می‌شوند. اینک، عده بیشماری از کودکان و نوجوانان و جوانان ایرانی، در زندانهای رژیم عراق، تحت اسارتند و در حالیکه بیمارهای کشنده‌ی ناشی از جراحات جنگ و شرایط دشوار زندانها جانشان را تهدید می‌کند، رژیم با بی‌اعتنایی کامل به وضعیت تافتار نگیزانها، بازهم به سیاست القابا و رهای دروغین و پوچ و بی‌محتوا، و سوء استفاده از احساسات بخشهایی از کودکان و نوجوانان ادامه می‌دهند.

هزاران جوان ایرانی به خاطر عدم تمکین به سیاستهای ارتجاعی رژیم، بایاس و نگرانی نسبت به سرنوشت آینده خود، اسیر شده و بی‌رقم در کنج خانه‌ها خیزیده‌اند و سرخوردگی‌های اجتماعی و روانی، عده‌ای از آنان را تدبیرا راهی بیمارستانهای روانی می‌کند. اکنون اکثر بیمارستانهای روانی در ایران، بطور نمونه بیمارستانهای روانی حافظ و نمازی شیراز، معلولان دختران و پسران جوانی است که بی‌رجانه قربانی سیاستهای قسرون وسطایی و تبهکارانه رهبران چپ گذشته‌اند. در بین بیماران روانی جوان، دختران جوانی که به جرم دختر بودن ستم مضاعفی را تحمل می‌کنند از تعداد بیشتری برخوردارند. خودکشی در بین جوانان، بطور دامن‌گستری شیوع می‌یابد. تنها اخبار روزنامه‌های دولتی چپ، در این خصوص، ارقام فاجعه‌باری را نشان می‌دهند. شیوع انواع سکت هادریسن جوانان ایرانی بنا به اظهارات جراید، بالاترین رقم را در جهان شامل می‌شود.

امروزه بخش قابل توجهی از نوجوانان و جوانان کشورمان، به منظور تامین ابتدایی‌ترین نیازهای اقتصادی خود، مجبور شده‌اند به کارهای کاذب و پستی روی آورند که شخصیت

اجتماعی آنان را خرد می‌کند.

هزاران نوجوان و جوان دیگر، اکثرا زیر فشارهای نیازهای مادی، با شرکت در ارگانهای جاسوسی و سرکوب رژیم، حیثیت و شرافت انسانی خویش را پایمال می‌کنند و به موجوداتی پست و جانی بدل می‌شوند.

توصیف نتایج سیاستهای ارتجاعی حکام چپ، در رابطه با سایل و حقوق جوانان، براساسی مثنوی هفتاد من کاغذ می‌طلبد. هر روز که می‌گذرد، ابعاد فاجعه آفرین آن گسترش یافته و روز بروز نمودهای دردناک خود را آشکارتر می‌نماید. در طی چند ماه اخیر، روزی نیست که در صفات، روزنامه‌های چپ، خبری در مورد کشف و دستگیری باند‌های سرقت، کلاهبرداری تجاوز جنایت که اعضای آنها عمدتاً نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، چاپ نشود. تنها اکتفا به یک نمونه از این خبرها، خود نشان‌دهنده ورطه فلاکت‌باری است که رژیم در فراروی بخشی از جوانان ایران که دستشان به هیچ جایی بند نیست، گشوده است. در صفحه حوادث روزنامه کیهان (۷ فروردین) می‌خوانیم: "بانگ نوجوانان بزهکار که تاکنون به سرقت از ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ و منزل در تهران اعتراف کرده‌اند. شناسایی و منالشی شد. دستگیر شدگان، نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله هستند که برای یافتن کاره تهران آمدند و سپس به دام رهبریانده افتادند. رهبر پانده پس از دستگیری اعتراف کرد که در اطراف میدان آزادی منتظر نوجوانان شهرستانی که برای یافتن کاره تهران می‌آمدند می‌نشسته و سپس با آنان دوست می‌شد. این افراد سپس در باند مشغول فعالیت می‌شدند و اقدام به سرقت و سایل‌خاکی و لوازم اتومبیلها می‌نمودند."

اکنون در نتیجه زمامداری مترجمین، عده چشمگیری از نوجوانان و جوانان که باین بست بیکاری و فقر رو بریند، از آنجاکه برای رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی، جسمی و فرهنگی خود هیچگونه مفرقانونی و مشروع نمی‌یابند، اقدام به اعمال خلافی می‌کنند که در جاد رادامه آن به دزدان و تبهکاران حرفه‌ای می‌بندل می‌شوند. روند گرایش نوجوانان و جوانان، به ارتکاب جرایم فوق، که در سایه سیاستهای قسری و سرکوبگرانه رژیم، تمامی درهای نظام آموزشی و سازمان تولید اجتماعی به رویشان بسته است، آنچنان رو به گسترش است که حتی هزارگانه‌های روزنامه‌های دولتی چپ، نیز، تحت فشار واقعیتها موجود، مجبوری شوند، رگه‌هایی از وضعیت حاکم در جهنم چپ، را جسته و گریخته منعکس سازند. روزنامه کیهان (۲۴ تیر)، طی گزارشی در مورد علل افزایش بزهکاری در جامعه می‌نویسد: "امروزه میزان جرایم و افزایش آنها در سطح جامعه از اهمیت ویژه و گسترده‌گی خاصی برخوردار شده است. گمته و گدارکو تاهی در کلاتر بها و اداره

روی آب ماندن سوزن علت اخراج

یکی از هموطنان ارمنی دانشجوی سال آخر پزشکی بود و در بیمارستان ایران شهر تهران کار می‌کرد. وی مرتباً هم در کلاس ایدئولوژی حاضر میشد. یکبار بعلت وجود بیمار فراوان و نبودن پزشک از رفتن به کلاس ایدئولوژی خودداری نموده و میگوید اولاً در حال حاضر بیماران بهین احتیاج دارند و ثانیاً من ارمنی هستم. معلم ایدئولوژی که يك آخوند حوزة علمیه قم بوده است، میگوید فعلاً مهمترین مسئله ایدئولوژی است و در هر حال در مرحله نخست قرار دارد. بالاخره ایشان مجبور به رفتن به کلاس می‌شوند. معلم بعد از آوردن مثالهایی از جمله چون تمام کلاغها سیاه هستند ما نمیتوانیم بگوئیم بهمین دلیل تمام سیاهها کلاغند و یا اگر چوب کبریت و يك سوزن هم وزن را در آب بیاندازیم سوزن ته‌آب میرود ولی چوب کبریت روی آب میایستد و اینها نشان از قدرت خداوند دارند. دکتر مزبور با او وارد بحث شده و با آوردن مثال طبق قوانین فیزیکی ثابت میکنند که از طریق علم میشود سوزن را روی آب و چوب را ته‌آب فرستاد. آخوند مزبور عصبانی شده و میگوید تو کافر هستی و بهمین دلیل با ما مخالفت میکنی و او را از بیمارستان و دانشگاه اخراج میکنند.

با اینکه فقط دو ماه به اتمام دوره دکترایش باقی بود، حتی از دادن يك گواهی که ثابت کند او چند سال دانشجوی پزشکی بوده خودداری کرد ماند.

نماینده آنها (ارامنه) در مجلس هم گفته است که نمیتواند این موضوع را مطرح کند چون بیم این میرود که خودش را هم اخراج کنند.

آگاهی، کمیته‌ها و شهریان، دادسراها و دادگاهها همه نشان از افزایش میزان جرایم دارند که در این میان سرقت و کلاهبرداری درصد آمار اختلاف قانون قرار گرفته است. بررسی کواهی از آمارسین سارقین و بزهکاران نشان می‌دهد که اکثر آنان نوجوانان و جوانان بین ۱۶ تا ۲۴ سال هستند. در حال حاضر بخشی از نسل جوان ما دچار رکود اخلاقی و فرهنگی شده

آنچه که اکنون، در جهنم چپ، نوجوانان و جوانان میهنمان می‌گذرد، تصاویر تکاند هنده‌ای است از اقدام و شکنجه، زندان و اختناق، تبعیض و سرکوب، خشم و نفرت، یاس و نگرانی و... و این همه چیزی نیست، جز نتیجه منطقی خیانت رهبران کوراندیش چپ، به اهداف والای انقلابی که دهها هزار نوجوان و جوان ایرانی بر سران جان باختند، جامعه‌ای را بنیاد نه‌بند که استقلال و آزادی، عدالت و سعادت شاخص آن باشند.

هیروشیما و ناگازاکی، افشاگر چهره پلید امپریالیسم آمریکا

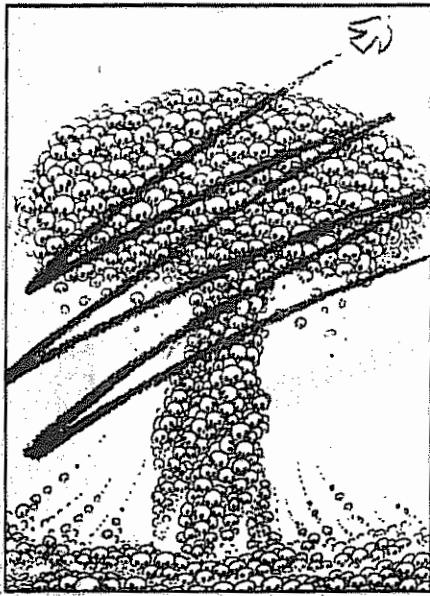
بقیه از صفحه اول

پلید زد که جنگ دوم جهانی را به زانو در آمدن آلمان فاشیستی سه ماه پیش از آن تاریخ، و در آستانه شکست قرار گرفتن میلیتاریسم ژاپن، عملاً به پایان خود رسیده بود. بنا بر این، فسر و افکندن بمب اتمی بر هیروشیما و ناگازاکی را به هیچ عنوان نمی توان با این ادعا که گویا آمریکا

می خواسته از این طریق ژاپن را به تسلیم واداشته و به جنگ خاتمه دهد، توجیه کرد. واشنگتن از دست زدن به این جنایت، اهداف کاملاً متفاوتی را دنبال می کرد.

چهره جهان در اوت ۱۹۴۵ چگونگی بود؟ از یک سو، فداکارهای عظیم و بی شماری خلقهای اتحاد شوروی و دلاوریهای ارتش سرخ، فاشیسم متجاوز هیتلری را شکست داده و به مردم ۸ کشور اروپای شرقی امکان داده بود. سرنگون کردن دیکتاتورهای فاشیستی و برقراری دموکراسی توده ای، مسیر سوسیالیسم را برگزینند. مواضع امپریالیسم در اروپا با حذف لاف موقتی امپریالیسم آلمان از صحنه و تضعیف بریتانیا و فرانسه، به شدت آسیب دیده بود. تناسب قوا در عرصه جهانی بسود سوسیالیسم، بسود دموکراسی و پیشرفت تغییر کرد. اما از سوی دیگر، در درون اردوی امپریالیستی، سرکرده قدر قدرت و تازه نفسی پیدا شد. امپریالیسم آمریکا، در میان کشورهای سرمایه داری برتری را بطور قطعی از آن خود ساخت. اگر پیش از آن، بار اصلی وظیفه مقابله با "خطر سرخ" به دوش امپریالیسم آلمان گذاشته شده بود، پس از جنگ، واشنگتن علم مبارزه با کمونیسم را در دست گرفت، مبارزه ای که بعلمت افزایش نفوذ و اعتبار سیاسی و قدرت نظامی اتحاد شوروی بسیار دشوارتر از دوران قبل از جنگ بود.

در سالهای آخر جنگ، جدیدترین کشفیات علم فیزیک به دانشمندی که تحقیقات نظامی آمریکا را انجام می دادند، امکان داد از طریق شکست کنترل نشده و زنجیر وار هسته اتم، سلاح مرگباری اختراع کنند که قدرت تخریبی آن، دهها و صدها برابر سلاحهایی بود که بشر تا آن تاریخ در اختیار داشت. همزمانی به نتیجه رسیدن این تحقیقات با شرایط جهانی ایجاد شده پس از پایان جنگ، فاجعه آفرید. طراحان استراتژی سیاسی و نظامی آمریکا هم می خواستند هر چه زودتر کارکرد سلاح جدید را بیازمایند و هم، از این طریق، به یک قدرت نمایی بزرگ ایجاد نظامی با هدف مرعوب ساختن خلقها و نیروهای چپه جهانی ضد امپریالیستی دست زنند. دولت آمریکا می خواست با نابودی دوشهر ژاپنی، به جهانیان نشان دهد که



وسیلای تازه برای تحمیل اراده خود به ملل دیگر در اختیار دارد.

اما هیچ چیز نتوانست نیروهای صلح و ترقی را از پیشروی شتابند فای که آغاز کرده بودند، باز دارد. مردم اتحاد شوروی، با همان حد از فداکاری و از خود گذشتگی که پیروزی نظامی در جنگ را امکان پذیر ساخته بود، به بازسازی مناطق ویران شده میهن خود همت گماشتند. در ظرف مدت کوتاهی، زخم های وارده به اقتصاد کشور شوراها التیام یافت. دموکراسی های نوپای اروپا، تحولات سوسیالیستی را با موفقیت به پیش بردند. نظام فرتوت مستعمراتی بسود سرعت فروپاشید. کشورهای نواستقلال، بسود نیروی عظیمی در جبهه نبرد با امپریالیسم جهانی تبدیل شدند. در این میان، امپریالیسم آمریکا که در ۱۹۴۵ از سلاح اتمی استفاده کرده بسود، چندین بار، در کره و ویتنام، به تهدید جدی استفاده مجدد از این سلاح روی آورد. اما، چهره جهان دیگرگون شده بود. انحصاراتی آمریکا توسط اتحاد شوروی، از میان رفته بود. تحکیم قدرت نظامی اتحاد شوروی، حفظ صلح بر مبنای موازنه قوا را امکان پذیر ساخت. خیزش ملت نژادتی در برابر خلقهای "جهان سوم" کار آیی خود را از دست داد، و در نهایت، اهدافی که امپریالیسم آمریکا از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی فرا روی خود قرار داده بود، بسود شکست مواجه شد.

آنچه از فاجعه هیروشیما و ناگازاکی برای آمریکا باقی ماند، افشای چهره پلید مدعیان "تعدن" و "آزادی"، و نفرت و انزجار جهانیان

از میلیتاریستهای پنتاگون است. امروز، بزرگداشت سالگرد نخستین بمباران اتمی، برای بشریت بیش از پیش به مفهوم تجدید عهد در مبارزه علیه آن نیروی اهریمنی است که در اوت ۱۹۴۵ فاجعه آفرید. همان نیرویی که هنوز، با دامنه زدن به مسابقه تسلیحاتی، نابودی بخش عظیمی از ثروت روی کره زمین را به بشریت تحمیل میکند، با برافروختن و توسعه آتش جنگ در این و آن گوشه جهان، هزاران انسان را به خاک و خون می کشد، و با انکا به قدرت نظامی، می کشد. چرخ تاریخ را از حرکت باز دارد. حفظ صلح، تنها با مبارزه علیه این نیرو، با دست زدن بسود دستان امپریالیستهای آمریکایی، امکان پذیر است و از سوی دیگر، لازمه مبارزه با این جهانخواران شرکت هرچه فعالتر در جنبش جهانی صلح، تلاش برای خاموش کردن کانونهای بحران و قطع مسابقه تسلیحاتی است.

راهپیمائی صلح سوئد عرصه کارزار علیه سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی امپریالیسم جهانی

شرکت کنندگان در این گردهمایی همچنین به طرق مختلف همبستگی خود را با نیروهای صلح طلب جهان و کلیه جنبشهای رهاییبخش کشورهای تحت سلطه اعلام نمودند. لازم به تذکر است که نمایندگان جنبش صلح از کشورهای مختلف جهان در این گردهمایی حضور داشتند که با یکدیگر به بحث و مشاوره پرداختند.

گرفته مشترک فدائیان خلق ایران (اکثريت) سوئد و سازمان حزب توده ایران در سوئد نیز مورد توجه شدید شرکت کنندگان قرار گرفت و بازدید کنندگان از این غرغه با امضا نمودن متن های اعتراضی، تنفر و انزجار خود را از شکنجه و کشتار نیروهای صلحدوست و ترقیخواه کشورمان ابراز نمودند.

بد نبال برگزاری کرد - همایی صلح در شهر "سیلکه بورگ"

دانمارک در تابستان گذشته، امسال نیز گرد همایی مشابهی با شرکت هزاران نفر از مردم صلحدوست و ترقیخواه اسکاندیناوی و سایر کشورهای اروپایی در شهر "ستروس" برگزار گردید.

بسیاری از شرکت کنندگان مسافتی بسیار طولانی را بوسیله دوچرخه پیمودند. این گردهمایی که از تاریخ ۱۲ الی ۱۵ جولای بطول انجامید، عرصه کارزاری بود علیه سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا.

به مناسبت ۱۴ مرداد روز اعلام مشروطیت

انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

نیست غیر از خون پاکان، خونهای انقلاب

(فرخی بزدی)

گویشهایشان فرو کرده اند . ننگ و نفرتی بیش از این ، نصیب رهبران جمهوری اسلامی باد که آزادی کشی و بی قانونی را به جای رسانده اند که اینک پس مانده های دربارنیز برای فریب مردم از آزادی و قانون ، دم می زنند!

جمهوری اسلامی نیز ، انقلاب مشروطه را شکست خورده می داند . ایدئولوگهای این رژیم ، بعد از به قدرت رسیدن ، لاشه متعفن شیخ فضل الله نوری را از زیر خاک بیرون کشیدند و او را پیشتاز و شهید جنبش اسلامی ، اعلام نمودند . شیخ فضل الله معدوم کسی است که هم صدا با محمدعلی شاه قاجار ، انقلابیون مشروطه را " کافر " ، مالشان را " مباح " و خودشان را " هدر " دانست .

دو قطب ارتجاع ، دو انقلاب بزرگ در ویران معاصر میهنمان را بین خود ، تقسیم کرده اند . سلطنت طلبان مشروطه را از آن خود می دانند و اسلام پناهان ، خود را مالک الرقاب جمهوری می خوانند . مشروطه چی های امروز از آن جهت که انقلاب بهمین ، بساط سلطنت ننگینشان را برچید ،

به این انقلاب کینه می ورزند و متشرعین حاکم ، از آن رو که ۷۸ سال پیش ، بیخ مشروطهشان نگرفت و سر شیخ فضل الله بالای دار رفت ، از انقلاب مشروطیت تنفر دارند . امانه قبالة انقلاب اول ، به نام قطب مغلوب ارتجاع است و نه انقلاب دوم ، ارث پدیری قطب غالب . این هر دو انقلاب ، از آن خلقی است که همین چندی پیش ، به درباری که حاکمیتش ، مظهر کمال شکست انقلاب مشروطه بود ، نازشست نشان داد و فردا با سیلی تاریخ ، خائنین به انقلاب بهمین را ، گوشمالی خواهد کرد .

کامل انقلاب را جشن گرفتند . آیات عظام نیز به عنوان یکی از ارکان بلو کارتجاع برای حفظ کبان شرع انور ، این تاج شاهی را متبرک ساختند . پایه قدرت رسیدن دو دمان سرسپرده و خون آشام پهلوی ، ایران بیش از نیم قرن عرصه

ددمشی های یکی از مخوفترین دیکتاتوریهای تاریخ معاصر گشت . درد و ران سلطه پهلوی نیز منویات ملو کانه ، برتر از همه چیز گشت و قانون اساسی مشروطه با همه عقب ماندگیهایش از همان روز و اول حکم ورق پاره ای را پیدا نکرد .

و حال بازی تاریخ را بگیرد که پس مانده های بساط دیکتاتوری پیشین ، دم از انقلاب مشروطیت و قانون اساسی مشروطه می زنند ، در ۱۴ مرداد به یاد ستارخان و باقرخان جامه هایشان را بلبند می کنند و در مدح ، آزادیخواهی و پایبندی به قانون ، سخن سرمی دهند . این خود یکی از دستاوردهای انقلاب است ! آخر مگر نه این که خدا انقلاب نیز گاه الزامات انقلاب را منعکس می سازد ؟ حتی خدا انقلابیون سلطنت طلب نیز پی برده اند که مردم ایران ، تجربه يك انقلاب پرشکوهر ایشست سر نهاده اند و مزه بهار آزادی را چشید ه اند . حتی آنها نیز مثل پد رتاجانان مد فو نشان ، صدای انقلاب را شنیده اند و این در حالی است که میوه چینان قیام ، پنبه در

و دست نشانده ، بدانیم . انقلاب مشروطیت ، در سال ۱۲۸۵ و این سال ، در روز ۱۴ مرداد ، خلاصه نمی شود . انقلاب مشروطیت يك دوره تاریخی را در بر می گیرد که پاره ای از برآمد های آن ، بسی از مرز مشروطه خواهی فراتر می روند . شکست انقلاب در سال ۱۲۸۹ نیز نقطه پایان ایمن دوره توفانی نیست . تاریخ رو ندی پیوسته است و همین پیوستگی است که جنبش جنگل ، جنبش خیابانی در تبریز و جنبش پسیان در خراسان را در تداوم آن حرکتی قرار می دهد که از ۱۲۸۴ آغاز شد . خدا انقلاب می تواند ، يك شبه غلبه کند ، ولی انقلاب ، يك شبه از یاد نمی افتد . انقلاب اکبر ، حریق جنبش را در ایران - کوه امپریالیسم و ارتجاع ، نتوانسته بود دند به طور کامل خفه اش سازند . از نو پرفروغ ساخت شعله و رنگستن مجدد مشعل انقلاب ، امپریالیسم و طبقات ارتجاعی را به وحشت افکند . در بار قاجار د یگر نمی توانست مظهر بلو کارتجاع و آن مشت آهنینی باشد که برفرق جنبش کو رده شود . جنبش قوی بود و امپریالیسم و ارتجاع می دانستند که باید با قدرت بیشتری در مقابل آن بایستند . اینجا بود که زیر شان رضاخان قلد ر را گرفتند و باکو دتای ۱۲۹۹ و متعاقب آن نهادن تاج بر سر این قداره کش مزدور و سرکوب

چند خبر در رابطه با وضعیت زنان در ج.ا.ا.



بقیه از صفحه ۱۲

سرگردان باقی ماندند . دانشجویان ساکن

شهری و کرج را از خوابگاه بیرون کردند و جای آنها را به دانشجویان شهرستانهای دیگر دادند . در حالیکه سیاست سابق رژیم بر این بود که برای کنترل دانشجویان ، همه آنها در خوابگاهها ساکن داده شوند ، در مساو ردی مثل مرکز تربیت معلم دختران ، حتی دانشجویان تهرانی نیز ملزم به اقامت در خوابگاه بودند . بنا بر گزارش مطبوعات رژیم در سال گذشته ۲۰۰۰ نفر دانشجوی به دلیل نیافتن مسکن ترك تحصیل موقت کردند .

در چنین شرایطی در سال تحصیلی جدید هزاران دانشجوی شهرستانی دیگر که از سد تفتیش عقاید گذشته اند و ارد تهرانی می شوند . برای اغلب آنها پرداخت رقم هنگفت اجاره بهای يك اطاق در تهران ، غیر ممکن است . رژیم نیز خود در ملزم به تامین مسکن آنها نمی داند .

● در شیراز زنی را که روسری او کمی بالاتر بسته بود ، متوقف کرده و مجبورش می کنند روسری دیگری را که ماورین همراه داشتند ، سر کنند . پشت این روسری نوشته بود " من يك فاحشه هستم " .

● در قاپم شهر روز ۱۷ فروردین زنی را به جرم زنا سنگسار می کنند . این عمل خشم اهالی را برانگیخته است .

● در ماه رمضان در قلهک ماشین گشت دوم را همراه باد و زن به اتهام روزه خواری دستگیر می کنند در همانجا کنار خیابان تخت و شلاق را از ماشین بیرون کشیده مرد ها را شلاق می زنند . تنها مقاومت مردم باعث می شود از شلاق زدن زنان صرف نظر کنند .

● در اوین سربك زن را که بخاطری حجابی زندانی بود داخل سطلی پراز سو سگ می کنند زن مزبور را اثر این عمل سگته می کنند .

● در اردیبهشت ماه در افسریه تهران شخصی نامزد عقد شده خود را به کوه برده و با چاقو بطرف زنجیری به قتل می رساند . پس از مدتی که این شخص آزاد می شود . دادگاه در پاسخ به اعتراض پدر دختر می گوید قصاص خون ۲ زن برابر يك مرد است . اگر می خواهید قاتل دخترتان اعدام شود باید خونهای يك زن دیگر را بپردازید .

● زنی که در تهران ، بخاطر " بی حجابی " به مدت سه روز در اوین زندانی شده بود می گفت کسان دیگری نیز بهمین اتهام در زندان به سر می بردند . يك گروه کامل را از يك جشن عروسی بیرون کشیده و زندانی کرده بودند . عروس نیز همراه آنان زندانی شده بود .

بقیه از صفحه اول

ابتدائی ترین حقوق انسانی زنان پایمال تفکرات ضد بشری حاکمیت جمهوری اسلامی

نشریه انقلابی اکثریت!

جنایات و فجایع بیشماری که امروزه در کشور در بند ما نسبت به زنان صورت می گیرد ما را بر آن داشت که این نامه را برای نشریه "اکثریت" بفرستیم، تا نظرم میهنان خارج از کشور و سازمانهای مترقی و افکار عمو می جهان را با بار دیگری این ساله جلب کنیم.

ما زنان ایران در شرایط بسیار سختی زندگی می کنیم و علیرغم فشارها و محدودیتهای بیشماره مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه می دهیم.

ما از نزدیک شاهد پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق فردی و اجتماعی و انسانی زنان هستیم. محدودیت های بیشمار حتی در مورد رنگ لباس و رشته تحصیلی زنان به مسایلی عادی تبدیل شده اند.

زنان میهن ما هم اکنون در زیرشدیدترین سرکوبها و توهین ها بسر می برند، دستگاہهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی ازادی و تلو یزیون گرفته تا انواع و اقسام روزنامه ها و مجلات، کو چکترین دریخی در این مورد ندارند. تمام تبلیغات در خدمت محروم کردن زنان از فعالیت های اجتماعی و بی ارزش نمودن مقام زن است. از همان آغاز هدفی که جمهوری اسلامی در رابطه با زنان پیش روی خود گذاشت و الگویی که برای زن انتخاب کرد، زن آشپزخانه بود، زنی که در هیچ فعالیت اجتماعی و سیاسی شرکت نکند، به قول معروف آفتاب مهتاب رنگ او را نبیند و فقط جمهوری اسلامی بتواند به اراده خود در راهیمایی ها و انتخابات و ... برای نمایش تبلیغاتی از آنها استفاده کند، بدون اینکه کو چکترین دخالتی در سرنوشت خود نداشته باشند. از همان ابتدا جمهوری اسلامی دریخی قانونیت بخشیدن به این هدف، طرحیایی به مجلس رایه داد و مصوبات مجلس نیز بنویسه خود به این امور جاری رساند.

طرح کارنیه و قتل با عنوان که بر اساس آن ساعت کار زنان و حقوق آنها نصف می شود، همین هدف را تعقیب می کند. سیاست جمهوری اسلامی در جهت محدود کردن و بستن مهبند کودک کارخانه ها نیز در رابطه با همین هدف است. بطور مثال در کارخانه پارس الکتریک زنان کارگر فقط حق گذاشتن یک فرزند به مهد کودک کارخانه را دارند این ساله باعث شده که یک جا ۲۶ زن به دلیل داشتن دو فرزند در مهد کودک از کار اخراج شدند.

همانطور که می دانیم مبارزه زنان بسراری رهایی از ستم مضاعف با رژیم شاه و نقش زنان در ره ثورسازان انقلاب ۲۲ بهمن چشمگیر بود. آنها در هر کجا که عرصه فعالیت و جود داشت باشور و شوق شرکت می کردند. ولی هیچگاه جمهوری

اسلامی نگذاشت که زنان در جایگاه واقعی خود قرار گیرند. اغلب زنان در شکل گرفتن شوراهای محل، تعاونی های محلی و تشکل های محل کار فعال بودند، اما در موقع انتخابات، همیشه مو انجندی در راه انتخاب آنها بود می آمد و جز در موارد معدود از انتخاب زنان بسا نحصار، گو ناگون جلو گیری می شد.

از طرف دیگر، زنانی که تقاضای اشتغال در مراکز کار می کنند به آنها گفته می شود که اگر همسران آنها سرکار هستند نمی توانند خودشان هم مشغول کار شوند. کارگزینی کارخانه کفش ملی بطور کتبی اعلام کرد که زنانی که شغلشان شاغل هستند، استخدام نخواهند شد. راه رشد و ارتقاء زنان در کارخانهجات بسیار محدود است. البته به علت ارزان بودن نیروی کار زنان، استخدام آنها در کارهای فوق العاده ساده با دستمزد کم آنها زمانه که مجرد باشند یا بچه نداشته باشند، صورت می گیرد. اما هیچگونه امکانی برای بالا بردن آموزش حرفه ای آنها، ویا تحصیل و غیره فراهم نمی شود. تازه محدودیت های جدی نیز ایجاد می کرد. زنان هیچگونه تا مین شغلی ندارند. هر روز با خطب در اخراج و خانه نشین شدن رو برو هستند. در این پنج ساله در صد زیادی از زنان کشور مابه بهانه های مختلف از کار برکنار شده اند. حق کار کردن از زنان سلب شده و هر کسی را که کو چکترین تفاوت چسه در فکر و چه در ظاهر یاد ا رو دسته حاکم داشته باشد به بهانه های گو ناگون از کار اخراج می کنند. جمهوری اسلامی سعی می کند به طرق مختلف در محیط کار زنان را محدود و از آزادیت قراردادها، آنها را از کار زده کند و خانه نشین نماید. رعایت باصطلاح حجاب یکی از دلایل اخراج است. زنان باردار از ترس اخراج، از مرخصی زایمان استفاده نمی کنند و الا بعنوان کارمند ما را از کار برکناری شوند. نمونه های زیادی شاهدیم که زنان معلم نه تنها از مرخصی قبل از زایمان استفاده نکرده اند، بلکه مجبور شده اند ده روز پس از زایمان به سرکار برگردند، انواع بیماریها و ناراحتی ها را تحمل نمایند و طفل را خود را که از شیر مادر تغذیه می کند ساعتها بگذارند.

جمهوری اسلامی تحصیل زنان را در رشته کشاورزی ممنوع اعلام کرد. در حالیکه زنان روستایی که نیمی از زنان کشور را تشکیل می دهند به کار طاقت فرسای مزارع مشغولند زنان مابه دلایل مو هوم از تحصیل در رشته های فنی و مهندسی، قضایی و بسیاری از رشته های هنری و ورزشی بالکل محرومند و سابقات ورزشی زنان در سطح کشور تعطیل شده است. نابرابری زن و مرد در جمهوری اسلامی

رسمیت یافته و قانونی شده است. طبق ماده ۵ قانون قصاص، اگر مرد مسلمانی زن مسلمانی را بکشد، تنهاد رصورتی قصاص می شود که ولی زن، نصف ديه (خون بها) يك "انسان کامل" را به خانواده قاتل بپردازد. یا طبق ماده ۲۲ قانون قصاص "قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود." بنابراین اگر مردی وارد دبیرستان دخترانه شود، جلوی چشم هزار دختر دانش آموز معلم زن، دخترتری را سر ببرد، اگر قاتل مایل به اقرار نباشد، هرگز این قتل ثابت نخواهد شد. آنچه هزاران زن به چشم خود دیده اند، برای ثابت شدن قتل هیچگونه اثری ندارد. همچنین طلاق زن توسط مرد بدون توافق و حتی در غیاب زن قابل اجراست. حقوق مادری در شرایط طلاق بسیار پس از مرگ شوهر از زن بطور قانونی سلب می شود. بعد از مرگ شوهر حق نگهداری اموال و فرزندان به خانواده شوهر در درجه اول و اگذار شده است و زنان نه تنها ابتدایی ترین حق خود یعنی حقوق مادری و تسلط بر اموال خانواده خود را از دست می دهند، بلکه بر اساس این قانون زنان و دیوانگان حق حیوانات از فرزندان و اموال را ندارند. بدین ترتیب، قانون، زنان و دیوانگان را در یک ردیف قرار داده است.

ازدواج متعدد مردان بدون اجازه زنان رسماً و قانوناً نامجاز اسلامی پیداکرده است. بدین ترتیب هر روز تعداد کثیری از خانواده ها از هم پاشیده می شود. دادگستری تهران همه روزه محل تجمع انبوهی از زنان جهت حل مسائل حقوقی است، که این قوانین کذایی ایجاد کرده اند. زنان خشمگین با چهره های درهم به این قوانین غیرانسانی و خانمان برانداز اعتراض می کنند.

از سوی دیگر تحمیل حجاب به زنان مراحل قانونی خود را طی کرده است. زنان موظف به پوشیدن البسه ای در خیابان و مراکز کار شدند که رنگ و مدل آنرا مستو لبین مراکز کارت تعیین می کنند و فقط دو چشم زن باید بیرون باشد. انواع گشتهای رسمی و غیررسمی پشتوانه اجرای این قوانین قرون وسطایی است. زنانی که مطابق این خواست آنها عمل نکنند چه مسلمان باشند و یا اقلیت مذهبی، گشتهای رسمی آنها را شکار می کنند و با انواع و اقسام فحش و ناسزا و زندان و شلاق در مازه آنها باصطلاح مجازات می شوند، یا از طریق گشتهای مخفی و غیررسمی به روی صورت آنها امیب می پاشند، چاقو یا سنگ می زنند و زینکه رو سریش در تاکسی کمی عقب رفته باشد، مو تو رهای گشت مخفی با سنگ هم شیشه تاکسی را می شکنند و هم سر خانم را.

جمهوری اسلامی زنان منحرف را که محصول جوامع طبقاتی هستند به شیوه قرون وسطایی سنگساری کند و هیچ فرصت و امکانی بسراری با زاموزی و تجدید تربیت آنها فراهم نمی کند. از سوی دیگر حاکمان جمهوری اسلامی عملی صیغه

برخوردی که ما موران جمهوری اسلامی با خانواده های پشت درزندانهایی کنسند، روی فاشیستی ترین رژیم ها و زندانیان راد رسول تاریخ سفید کرده است. زنانی که با هزار امید و آرزو برای پیدا کردن فرزندان و همسرانشان به پشت درزندانهایی روند، باتو هین و آزار ماورین رو برو می شوند. نمونه های زیادی داریم که این مادران رنج دیده پس از برگشتن از زندان دچار سکتة قلبی شده و جان عزیزشان را از دست داده اند و داغ ننگ ابدی بر پیشانی جمهوری اسلامی زده اند. مادری که يك عمر فرزندان شایسته تربیت کرده و تحویل جامعه داده می بایست با چشم خود شاهد ازهم پاشیدن زندگی عزیزانش باشد. امروز در ایران کمتر خانواده ای است که دچار چنین وضعی نباشد. برای يك مادر هیچ دردی و هیچ لحظه ای دردناکتر از این نیست که خود مجبور باشد خانه و زندگی فرزندش را که یاد فرزندان بسر می برد یا اعدام شده یا در جنگ کشته شده و یا اسیر است جمع و جو ر کند و برای همیشه از او قطع امید کند. امروز این وضع مبتلا به تمام مادران و مردم کشور است.

در مقابل این فجایع زنان ما آرام نیستند و به اشکال مختلف مخالفت خود را با این وضع نشان می دهند. آمار زندانیان، اعدامیان و کشته شدگان به دست رژیم و اعتراض جمعی ولی پراکنده زنان ما بهترین گواه بر این امر است. این شرایط دشوارنه تنها خللی در ادامه مبارزه ما ایجاد نمی کند، بلکه ما ستوارتر و راسختر از گذشته به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

ما خواهان پایان دادن به شکنجه

و آزادی زندانیان سیاسی بخصوص زنان و مادران درین هستیم!

ما خواهان آنیم که اهانتها و بی حرمتیها نسبت به مقام و موقعیت زنان در میهنمان قطع شود، حقوق فردی و اجتماعی و انسانی زنان به رسمیت شناخته شود و قوانین ارتجاعی درباره زنان لغو گردد!

ما بانو شستن این نامه بازگو کردن گوشه کوچکی از فجایعی که در میهنمان می گذرد می خواهیم اذهان مردم مترقی جهان را نسبت به این جنایات قرون وسطایی روشن سازیم. ما از همه سازمانهای انقلابی و مترقی و هم فعالین سیاسی خارج از کشور می خواهیم تا جنایات رژیم جمهوری اسلامی در مورد زنان را به گوش جهانیان برسانند و افکار عمومی مردم ترقیخواه را برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران بسیج نمایند.

با امید و آرزوی صلح و خوشبختی برای همه مردم

این وضع بر سر قبر شهدای جنگ موقع خاکسپاری، پاسداران و ماوران رژیم برای وادار کردن، خانواده هایه شعار جنگ جنگ تاپیروزی حضور فعال دارند و مراقب هستند.

با ایجاد جو خفقان و فشار، و محرومیت همه مردم ما از حقوق فردی و اجتماعی، و به همراه گسترش مبارزه مردم علیه ارتجاع مبارزات زنان نیز وسعت بیشتری گرفت. در نتیجه زندانیهای ایران پر شد از زنان قهرمانی که با افتخار برای رهایی کامل میهنشان از چنگال ارتجاع و امپریالیسم می جنگیدند. تعداد زندانیان زن در جمهوری اسلامی قابل مقایسه با هیچ رژیم دیگری نیست. در زندانهای جمهوری اسلامی از دختران ۱۳-۱۴ ساله گرفته تا مادران ۷۰ ساله زندانی هستند. تعداد زیادی از زنان مبارز توده ای، فدایی و مجاهد که سالهای زیادی از عمر خود را در زندانهای محمدرضاشاهی گذرانده بودند و با انقلاب ۲۲ بهمن به دست مردم قهرمان میهنمان از زندانها آزاد شدند مجدداً دستگیر و زندانی شدند و اکنون تحت شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی قرار دارند؛ از شلاق زدن، ناخن کشیدن، سو زدن بدن تا تجاوز و سوء استفاده از عواطف مادری آنها. در خیمن فرزندان خردسال را در مقابل چشم مادران برای بزانو در آوردن آنها شکنجه می دهند. تعداد زیادی از زنان باردار در زندان هستند که تحت شکنجه های شدید قرار گرفتند. گاهی مادران جوان را تا وضع حمل ننگ می دارند و پس از وضع حمل درست در لحظه ای که بیشترین احساس مادری برانگیخته شده و لذت بخش ترین لحظات زندگی يك مادر فرا می رسد به جوخه های اعدام می سپرند. تاکنون صد هازن زندانی را به جوخه های اعدام سپرده اند.

تعداد زیادی از بچه های تولد یافته در زندان تا سن ۴-۵ سالگی در زندان در شرایط بهداشتی بسیار بد نگهداشته می شوند. این کودکان معصوم در معرض امراض گوناگون قرار دارند و هر لحظه مرگ آنها را تهدید می کند. گاه برای شکنجه مادر چیره شیر آنها را قطع می کنند و کودکان درگرسنگی کامل بسر می برد. در واقع این کودکان معصوم و سیله ای برای شکنجه مادران در دست دشمنانند.

تجاوز به دختران جوان قبل از اعدام و فرستادن نامه برای خانواده های آنها و دادن رخت و لباس آنها همراه با خبر اعدام دخترشان به همراه يك جعبه شیرینی و مقداری پول بجنونان مهربان بیگنا و زالت حیوانی است و بالاترین ضربه روحی را برای خانواده ایجاد می کند. چه بسیار بودند افرادی گناهی که دستگیر شده اند و بعد از چند ساعت حتی بدون مدافعه نمایشی اعدام شده اند و خانواده آنها برای همیشه داغدار و عزادار شده اند.

(ازدواج موقت مرد با زن از چند ساعت تا چند روز) را جایز می شمارند و در مراجع قضایی دربی قانونیت بخشیدن به آن هستند. آنها به تبلیغ این امر در مدارس دخترانه مشغولند و بدین طریق خود فحشا را رسمیت می بخشند. مردم با فرهنگ میهن ما با این اقدامات قسرون وسطایی و کثیف شدیداً مخالفند و بسه آن اعتراض می کنند.

مادران پنج ساله شاهد ازهم پاشیدن بسیاری از خانواده ها بودیم. جمهوری اسلامی تلاش می کند که مادران را از ستون و محور خانواده بودن محروم کند. بجای صفا و صمیمیت و اعتماد هر چه بیشتر جو جاسوسی و عدم تفاهم را بر محیط خانه تحمیل کند. بچه ها از همسان ستین دبستانی یا حتی قبل از آن مجبورند یا دروغ بگویند و یا جاسوس خانواده باشند. بابه تعایش گذاشتن نمایشهای تلویزیونی از مادران شهدا و مادران باصطلاح مومن که مورد شستشوی مغزی قرار گرفته اند، مثل مادر طریقی الاسلام (۱) سعی می کنند محبت و صمیمیت مادری را بکشند. الگوی زن مسلمان از دید آنها يك زن بی احساس، سنگسندل و قوی القلب است که کلیه عواطف و احساسات مادری و همسریش را مدفون کرده و در بی وعده های موهم که از نام ناشام از طریق رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی تکرار می شود بجز کشته شدن عزیزانش هیچ آرزویی ندارد. البته تاثیر چنین تبلیغاتی بر اکثر زنان میهن ما بجز کینه و نفرت هر چه بیشتر بر گرداندگان آن چیز دیگری نیست.

در رسانه های گروهی تبلیغات و سیعی می کنند که مادران ما برای فرستادن فرزندان به جبهه های جنگ و هدیه دادن خسون عزیزانشان سرو دست می شکنند. اما واقعیت این است که دردناکترین صحنه ها برای مادران، فرستادن اجباری عزیزانشان به جبهه برای ادامه این جنگ کثیف است. هر مادری تا آنجا که در قوه دارد سعی می کند مانع از رفتن فرزندش به جبهه ها گردد. امروز بیشتر جوانان ما با خاطر اینک نمی خواهند به جبهه این جنگ بی معنا و خانمان برانداز روند، متواری هستند و مادران با چنگ و دندان آنها را حفظ می کنند. علیرغم

(۱) تلویزیون جمهوری اسلامی صحنه ای را به نمایش گذارد که ملاقات این زن با فرزند محکوم به اعدامش طریقی الاسلام را ساعتی قبل از اعدام نشان می داد. فرزند که به جرم سیاسی به اعدام محکوم شده بود مادرش را با احساس مورد خطاب قرار داده و از او تقاضای بخشش می کرد. ولی مادر زنیور با خشم به فرزندش فحاشی می نمود و اظهار می داشت که خود حاضر است فرزندش را اعدام کند. این زن بعنوان مادر نمونه در جمهوری اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت و بعنوان سر مشق برای دیگر زنان معرفی شد. و این نمایش کثیف بارها از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش گردید. (اکثريت)

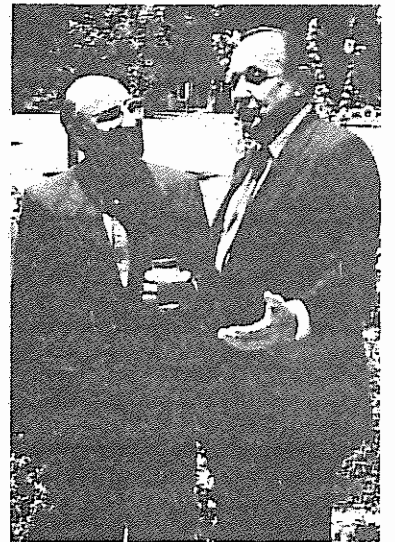
در حاشيه



ايدة مترقى (!) سياست درهائى باز

خامنه‌اى درديد ارباسفرا و کارداران چ ۱۰۰ :
 " امروزى از مهمترين سئوالاى ها زما
 هى شو دايى است كه سياست جمهورى اسلامى
 چيست و ماد راين زمينه بايد ايدة مترقى و قابل
 عرضه خو در اكه سياست داخلى و خارجى مارا
 در ابعاد مختلف تشكيل مى دهد به دنيا
 تو ضيح دهيم ."
 و تو ضيح " ايدة مترقى و قابل عرصه "
 از طرف خامنه‌اى در همين اظهارات چنين است :
 " سياست گشايش درهائى باز در زمينه
 سياست خارجى خو در ايدك سياست اصلى و اساسى
 براى تحرك در ازهدت جمهورى اسلامى در زمان
 حال مى دانيم . " (جمهورى اسلامى - ۹ مرداد)

گرفش مليح



نمازى ، وزير اقتصاد و دارايى با كرنشسى
 مليح در كنار كرنشسر ، وزير امور خارجه آلمان فدرال كه
 در حال نوشيدن آبجو اسلامى است .

برنامه ريزى تا انقلاب مهدى

عباسعلى بهارى نماينده مجلس :
 " فقر در جامعه كشا و رزان بيداد مى كند .
 ديگر از بهداشت در مان و آموزش مگو و مهريس ، با
 اينكه گفت

شنيدم از بزرگان سخن . سنج

كه سلطان رارعبت بهتر از كنج
 كزان خرج ارشود آخر سر آيد

وزين هر لحظه دخلى نو در آيد
 با توجه به اينكه در يك مثل قديمى گفته
 شد اگر برنامه ريزى يك ساله در ايد گندم بكاريد ،
 اگر برنامه ريزى دو ساله در ايد درخت بكاريد

اگر برنامه ريزى صد ساله در ايد آنگاه انسان
 بكاريد . ماكه انشاالله برنامه ريزى تا انقلاب
 مهدى داريم در برابر اين دشمنان جدى بايد
 به حقيقت كشا و ريزكاريم . ولى در عمل شاهد بيم
 كه كشا و رزان ما به اين طرف آن طرف كو چ مى كنند
 يابه شهرهاروى او رند "

(جمهورى اسلامى - ۱۱ مرداد)

از اين طرف و از آن طرف

ميزبازى عطاآبادى نماينده فلا و رجسان
 در مجلس :

" از يك طرف الحمد لله همه معتقد
 به ولايت فقيه و پيرو خدا و امامند و از طرف ديگر
 هر عده با سنگ گرفتن پشت سر اين شخصيت و آن
 گروه ، همچنان به انگ زدن به يك ديگر
 و متزوى ساختن عناصر خوش سابقه و خد متكزار
 و لوث كردن شخصيت هاى متعهد و هتسك
 حيثيت افراد در سطح گسترده ادامه يافته
 است . " (كيهان - ۱ مرداد)

مشكل حكومت : صاحبان سرمايه

و زمين با فرهنگ خودشان بر مى گردند

رشيديان نماينده آبادان :

" ما اگر در مسايل مهم اقتصادى توجه
 عميقى مى كرديم برخى از اين مسايل پيش نمى آمد
 مثلا طاعون تيه و زمين خور ها كه صاحب سرمايه
 و زمين بودند و فرار کرده بودند و مرتبه
 برگشته اند و اينها وقتى بر مى گردند با خانوادها و
 فرهنگ خودشان بر مى گردند و يكى از فرهنگهاى
 متصل به اينها نيزى حجابى است . "

(كيهان - ۶ مرداد)

درس اول

حجت الاسلام مقتدايى ، عضو سخنگوى
 شورائى عالى قضائى :

" عزيزانى كه قصد ورود به دانشگاهها
 را دارند ، بايد دقت كنند جذب افراد ناصالح
 نشوند و توجه داشته باشند ، اگر افراد منحرف
 و ناشايست در دانشگاه راه پيدا كرد ، آنها
 را شناسايى و به مقامات صالحه ، معرفسى
 نمايند "

(جمهورى اسلامى - ۹ مرداد)

ستاد فرهنگى روح الله

" سه جوان كه بعنوان ستاد فرهنگى
 اقدام به بازرسى غير مجاز مغازه هاى ويدئو
 فروشى مى كردند . . . دستگير شدند . پاسداران
 ازانان كارت شناسائى و حكم خواستند و بازرسان
 حكى تحت عنوان ستاد فرهنگى روح الله ارايه
 دادند . " (كيهان ۷ مرداد)

تو خود حديث مفصل ...

ناطق نورى وزير کشور :

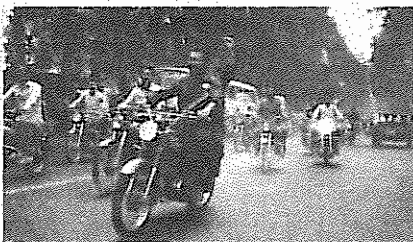
" اگر يك منافق با تيغ بر صورت يك دختر
 دوازده ساله كسيد و مشت بر صورت زن حامله
 كو بيد و شيشه مغازه هاراشكست ، چه كسى
 جواب مى دهد . پس بايد همه چيز قانونى انجام
 شود . شفا نيايد ارزشهاى اسلامى را از بين

ببريد . . . چه جريان سياسى پشت اين قضايا
 هست . آيا شما انقلابى هستيد ؟ قطعاً حزب الله
 مشت به چشم بى حجاب نعى زند . تيغ نعى كند .
 و نسبت ، زنا به كسى نعى دهد . بايد مواظب
 باشيد كه گول نخوريد اگر قانون در اين مملكت
 پياده نشود ، چه ضمانت ديگرى در ايد كه
 گروهك ديگرى راه نيفتد . "

اطلاعات ۶ مرداد

سخنان ناطق نورى ، تنها گوشه ايسى
 است از جزيات بيشمار حزب الله پياده و مو توريرو
 وزارت کشور و نهادهاى سرکوبگر و تو . خود
 حديث مفصل بخوان از اين مجمل .

حزب الله موتوريزه



حزب الله موتوريزه در مصاف با زنان

"همه كارها كه با اسلحه نمى شود"

ناطق نورى و وزير کشور :

" بنده سخته تلوزيون انتقادى كم
 چرا تلوزيون فيلمهاى بى حجاب را نشان
 مى دهد ؟ فيلم ندر ايد ، نداشته باشيد .
 همان فيلمها را كه مى گذاريد والله من ناراحت شدم
 (من دچار " اختلال حواس " شدم) ، ندر ايد
 نگذاريد . . . اين مردم نعى خواهند . اينها
 سرگرمى نعى خواهند . . . دستگاهاى
 تبليغائى ما بايد كار كنند . همه كارها كه با اسلحه
 نعى شود . " (اطلاعات ۶ مرداد)

مساله تعيين حدود

يكى از نماينده هاى مجلس " از شوراى

محترم فقها و مراجع عاليقدر خواست تا حدود
 حجاب را تعيين كنند " (جمهورى اسلامى - ۴
 مرداد) .

بعد از آنكه ، شورائى محترم فقها و مراجع
 عاليقدر " به هيچ قيمتى حاضر نشدند ، براى مساله
 مالكيت حد و دى تعيين كنند ، اکنون نماينده
 مجلس خواست است تا " آقايان " دست كم
 در مورد حجاب " تعيين حدود " بفرمايند
 تا مردم نگويند " شورائى محترم فقها و مراجع
 عاليقدر " ، " تعيين حدود " نعى دانند .

سخن يك "به دام" افتاده

خامنه‌اى رييس جمهور :

" . . . تكبر و خودخواهى و احساس
 منيت و غرور مانع اصلى اجراى اخلاق و عدالت
 در جامعه مى باشد . . . دام تكبر و خود برترينى
 بدترين دامى است كه بى اخلاقها ، بى صفاها
 و بى وفاها و دروغويان به آن دچارند . "
 (كيهان - ۳۰ تير)

لطف داوران نسبت به ورزشکاران آمریکایی در لس آنجلس

بازیهای آمریکایی که بنام المپیک در لس آنجلس برگزار می گردد، عرصه ای است برای پنهان نمایش درآمدن ناسیو نالیسم متجاوز و هاری که دولت رونالد ریگان با علم کردن آن، می گوشتد اهداف سلطه جویانه ارتجاعی ترین محافظان امپریالیستی را تحقق بخشد. در محافظان آمریکایی از بازیهای لس آنجلس بعنوان " عملیات طلال " یاد می کنند، و ویراستی نیز، این اصطلاح نظامی شایسته این نمایش است. برای دولت آمریکا، رسانه های گروهی-طفیای خبری این کشور و البته کمیته برگزاری بازیهای المپیک ۱۹۸۴ اقیس از هر چیز صحنه نمایش " برتری " آمریکاست. آنها برای دستیابی به " موفقیت " ها و " پیروزی " های هرچه بیشتر، از دست زدن به اعمال و شیوه هایی که در تاریخ جنبش المپیک سابقه ندارد، و از نیکارگیری هیچ روش غیر اخلاقی و ضد ورزشی، ابا ندارند.

ورزشکاران کشوری که در این بازیهای شرکت جسته اند، بارها و بارها این تجربه تلخ را آزمود هاند که در لس آنجلس، از " شرایط مساوی برای همه " خبری نیست. در بسیاری از رشته ها، داوران بنحو یکجانبه به سود آمریکایی ها قضاوت می کنند. تماشاچیان بطور سازماندهی شده، به تضعیف روحیه ورزشکاران میهمان می پردازند. برنامه بازیهای ترتیب انجام آن طوری تنظیم گردیده که تیم آمریکا از آن سود هرچه بیشتری ببرد.

به عنوان نمونه، و ورزشکاران تیم ژیمناستیک مردان چین شاهد بدترین نوع بی عدالتی در دادن نمرات توسط داوران بودند. علیرغم آنکه ژیمناستیک های چینی عملیات استادانه تری به نمایش گذاشتند، مردان آمریکایی یکی پس از دیگری نمرات " ۱۰ " (بهترین نمره در ژیمناستیک) گرفته و برنده شدند. مشابه همین صحنه در ژیمناستیک زنان و در مورد تیم و ریزه رومانسی تکرار گشت.

" گنیز " قهرمان شنای آزاد ۱۰۰ متر از آمریکا، به گواهی ناظران، زودتر از لحظه مقرر زودتر از همه شناگران در آب شیرجه زد، و علیرغم آنکه حتی شناگر دیگر آمریکایی که در این مسابقه به مقام چهارم دست یافت، تاکید کرد که هموطنش مرتکب خطا شده است، مدال طلا بدست " گنیز " آمریکایی و نه به نبرد و م (شناگری از استرالیا) رسید. شناگر استرالیایی بنام " هیث " در این باره گفت: " آنها (آمریکایی ها) گمان می کنند در اینجا، در لس آنجلس، می توانند قوانین مخصوص به خود را حاکم کنند. "

به درخواست کمیته برگزاری، هیات اجرایی کمیته بین المللی المپیک تصویب کرد که در رشته دو و چرخه سواری " اسپرنت "، بجای یک نمایش از هر کشور، دو ورزشکار شرکت کنند. در نتیجه، آمریکا در این رشته به دو مدال دست یافت. حال آنکه عین همین تقاضا قبلا از سوی

فدراسیون بین المللی دو و چرخه سواری به کمیته بین المللی المپیک تسلیم شده و از سوی این کمیته مورد قبول قرار گرفته بود. در گذشته، دو داور رحلت قضاوت یکجانبه به سود دکنستی گیران آمریکایی، از ادامه داوران محروم شدند. در مسابقه میان یک کشتی گیر آمریکایی و حریف کره ای وی، داوران، و ورزشکار آمریکایی را با امتیاز ۱۰ بر ۹ برنده اعلام کردند، اما کمیسیون داوران " فیلا " فدراسیون بین المللی کشتی، پس از اعتراضات زیاد، مجبور شد نتیجه مسابقه را بر مبنای مشاهده نوار ویدئوی آن، به ۱۲ بر ۱۰ به سود کشتی گیر کره ای تغییر دهد. کاره جایی رسیده است که حتی مقامات ورزشی عالی رتبه کشورهای که جزئی از یک کشور متحدان آمریکا، به شعاری روند، زبان به گلایه و شکایت گشوده اند. " هائیش فالاک " سرپرست تیم آلمان فدرال در یک مصاحبه راد یو بی گفت: " بازیهای المپیک محل مناسبی برای (نمایش) و ظن پرستی جدید " می که

پرزیدنت ریگان خواهان آن شده است، نیست. بطور کلی بازیهای المپیک با (اجرای) سیاست ملی، مناسبت ندارد. بازیهای المپیک متعلق به همه است. وی افزود: " وضعی ایجاد شده است که در داوران رقابت ها، آمریکایزادگان را به خصوص برخوردار می گرداند، امتیازاتی که خود ورزشکاران خواهان آن نیستند. من می خواهم صریحا بگویم این یک سیاست دقیق حساب شده است. " همچنین سامارائو، رئیس اسپانیایی کمیته بین المللی المپیک، طسی یادداشت شدید اللحنی از نحوه گزارش دهی یکجانبه " ای بی سی "، شبکه تلویزیونی آمریکایی ای که انحصار تهیه رپرتاژهای تلویزیونی از المپیک را خریداری کرده است، انتقاد کرد. بدیهی است که بر آوردن هدف ریگان در لس آنجلس، یعنی تصاحب هر چه بیشتر مدال برای آمریکا، با کمک برگزارکنندگان و داوران و چندان دشوار نیست. آنها می که در سیاست از حربه زورگویی و انکابه نیروی نظامی و سود می جویند، طبعاً در ورزش نیز به وسایلی نظیر آنچه ذکر آن رفت، متوسل می شوند.

برجسته ایران و جهان و کتابهای در زمینه نقد شعرو وجوه مختلف این رشته از هنر، پدید آرند. تماس خودتان را با نشریه حفظ کنید و ما را در جریان پیشرفتهای خود بگذازید. موفق باشید.

☆ از رفقا " هادی "، " محبوب " و یک رفیق دیگر از ترکیه، به خاطر ارسال اشعارشان برای نشریه، تشکر می کنیم. مطالعه و کار بیشتر، به این رفقای مستعد که از احساسات شاعرانه روشنی برخوردارند، اجازه خواهد داد که سرپا به آن حد اوتوانایی ادبی برسند که قالبها و تصویبهای مناسب و جا افتاده ای را برای بیان اندیشه های خود برگزینند. منتظر شعرهای دیگر رفقا هستیم.

☆ رفیق " نینا "، طرحهای ارسال شماری رسید. در این زمینه به همکاری خود با ما ادامه دهید.

☆☆ از کشورهای مختلف، مقداری طرح برای ما فرستاده شده است. انتظار همکاری بیشتری را از جانب رفقای هنرمندان داریم. رفقای طراح لازم است بویژه در زمینه شگنجه، اسارت و اعداد مبارزین، زنان، جنبش کارگری، دهقانان و خلقها، جلوه های گوناگون خیانت جمهوری اسلامی به انقلاب و مناسبتهای تاریخی مختلف، مسترا طرحهایی را تهیه کرده و برای ما ارسال دارند. تلاش بیشتر رقابت با لا رفتن کیفیت فرم نشریه خواهد شد. نشریه برای تکمیل آرشو عکس خود نیز، احتیاج به همکاری همه رفقا دارد.

☆☆ قابل توجه همه رفقا: نامه هایی را که برای ما می فرستید سعی کنید در کاغذ هایی به قطع پلی کپی (A4) باشد، با خود کار سیاه بنویسید و حاشیه سمت راست کاغذ را سفید بگذارید، تا فتوکپی گرفتن و بایگانی کردن آنها آسانتر انجام پذیرد.

نامه های

خوانندگان

☆ رفیق " پ " از ایتالیا: مقاله شماره همراه نامه حاوی بیان احساسات نسبت به نشریه، دریافت کردیم. ضمن تشکر، حتما به همکاری جدی تر با نشریه، ادامه دهید.

☆ رفیق " بابک " از هندوستان: تلاشهای شما را تقدیر می کنیم. برخی مطالبی که فرستاده بودید، در تهیه مقالات، مورد استفاده قرار گرفته اند. در این زمینه انتظار همکاری گسترده تری را داریم. اخبار ارسال باید بسیار سریعتر دست ما برسند تا ارزش خبری خود را از دست ندهند و بتوانند مورد استفاده نشریه قرار گیرند.

☆ رفیق " " از اردو و تل: در حد حجم نشریه، در جهت انعکاس مبارزات طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و همچنین جنبشهای رهایی بخش، پیش از پیش اقدام خواهد شد.

☆ رفیق " سهند " از اسپانیا: شعرهایی که برای ما فرستاده اید، نشان می دهند که شما تا آن حد به وزن تسلط یافته اید که بتوانید در مجموع آنرا رعایت کرده، با اصطلاح خارج نشده و شعرتان دچار سکنه نگردد. اما دران فرمی که برای بیان احساساتتان برگزیده اید ارکان تصویر (ایماژ)، وزن و قافیه، به جای این که در وحدت بایک دیگر اجاره برور به دریافت های شاعرانه تان بدهند، در مقابل هم ایستاده اند. تکیه اصلی خود را به نظر ما می بایست بر روی تصویر هابگذارید و در درجه اول، اجازه دهید، اندیشه هایتان، به راحتی جریان داشته باشند. با توجه به چشم انداز خوبی که دارید لازم است با جدیت به مطالعه اشعار شاعران

به مناسبت هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت انگلس

”چه مشعل فروزانی از خرد خاموش گشت و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد“



را آماده انتشار ساخت. در همین سالها بود که اثر مهم ”مشا“ بنام او در آن نیز تالیف نمود. انگلس در سال ۱۸۹۴، به شدت سلامتی خود را از دست داد و در ماه اوت ۱۸۹۵ به بیماری سرطان گلو درگذشت.

”چه مشعل فروزانی از خرد خاموش گشت و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد“ (لنین)

دزدی کادریهای متخصص

طبق گزارش روزنامه کویا ”گرانما“ یکی از شیوه های بهرینگیسی سیستم نواستعماری معاصر دزدیدن کادریهای کشورهای در حال رشد میباشد. تنها در طول ۱۵ سال اخیر، کشورهای در حال رشد حدود چهارصد هزار نفر از متخصصین فارغ التحصیل خود را که هم اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مشغول بکار میباشند از دست دادند.

ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۸۰ بیش از ۲۰۰ هزار نفر متخصصین فارغ التحصیل را از کشورهای مختلف به کشور خود برده است. اگر برای آماده کردن هر یک از این متخصصین در ایالات متحده ۴۵ هزار دلار بوجه صرف شود، بنا بر این بودجه وارد شده به کشور حدود ۹ میلیارد دلار میباشد. این روزنامه خاطر نشان میسازد که در آمریکا ۳۷ درصد کسانی که به کسب جایزه نوبل نایل آمده اند و ۲۴ درصد اعضا آکادمی علوم افرادی هستند که از کشورهای دیگر به آمریکا انتقال داده شده اند.

۱۸۴۶، انگلس شخصا به هدایت کار تجدید فکری - سازمانی محافل کارگری آلمان، پرداخت. در نتیجه این فعالیت، ”اتحادیه کمونیستها“ ایجاد شد. او در ۱۸۴۷ به خاطر نیاز مبرم به یک برنامه، در کنگره اتحادیه، طرح موجزی را به نام ”اصول کمونیسم“ تهیه دید که به شالوده مهم کار مشترک مارکس و انگلس، در نشر ما نیفت، بدل گشت.

تا این مقطع جزای اساسی مارکسیسم، هنوز در یک ارتباط محکم دیا لکتیکی با یکدیگر و به صورت یک آموزش کامل و نظام یافته، بیان نشده بود. این کار اولین بار در ما نیفت، انجام گرفت. انقلابات ۴۹ - ۱۸۴۸ بر روی آموزگاران پرولتاریا، که خود عملا در نبرد علیه ارتجاع و برای پر دامنه ساختن نقش طبقه کارگر در جنبش شرکتی جستند، تاثیر بسزایی نهاد. انگلس با جمع بندی تراز نامه این انقلابات، به ویژه انقلاب آلمان که در تمامی فراز و فرودهای آن، حضور داشت، درک طبقاتی از محتوای انقلابات استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی، نقش تاریخی - جهانی پرولتاریا، نقش خودهای خلق در تاریخ و ضرورت برقراری ا کمیت پرولتاریا را در یک سلسله از نوشته هایی که در این مورد تنظیم نمود، کرد. که از آن جمله اند ”جنگ دهقانی در آلمان“ و ”انقلاب و ضد انقلاب در آلمان“، تدوین نمود.

در دهه ۶۰ با تشکیل انترناسیونال کارگری، فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی مارکس و انگلس، در جلوگیری از نفوذ انواع انحرافات رنکارنگ بورژوازی و خرد بورژوازی در جنبش کارگری شدت یافت. و متعاقب آن نظریات آن دو، در زمینه دیکتاتور پرولتاریا، حزب انقلابی طبقه کارگر، مشی سیاسی حزب طبقه کارگر و انترناسیونالیسم پرولتری، به جنبش کارگری عرضه گردید. در این مباحث، آثار فلسفی انگلس ضریات خرد کنندهای را بر پیکر نگرشهای ایدئالیستی و انحرافی، وارد ساخت. در میان این آثار ”آنتی دورینگ“ مقام شاهخی دارد. ”آنتی دورینگ“ نمونه ارزنده ایست از بسط خلاق و پی گیری تئوری مارکسیستی و تنظیم دیا لکتیک به مثابه اسلوب معرفتی این بینش.

انگلس در این اثر گرانقدر، توجه ویژه ای را به علوم طبیعی، مبدول داشت و اسلوب شناخت را به مثابه انتقال اشکال مختلف حرکت ماده، از شکلهای ساده تا سیستمهای پیچیده، عرضه نمود. انگلس نشان داد دیا لکتیک، از آنجایی که علم فونین کلی حرکت و تکامل طبیعت، جامعه بشری، تفکر و هم پیوندی کلیه پدیده ها درجه ان است، در حکم شالوده مند ولونیک کلیه علوم و همه زمینه های معرفت بشری است.

بعد از مرگ مارکس، انگلس با تلاش سنگینی ناپذیر، جلد های دوم و سوم کاپیتال

۱۴ مرداد (۱۵ اوت) برابر بود با هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت فرد ریش انگلس، آموزگار کبیر پرولتاریا که همپای مارکس که عصاره خرد بشری و برافرازنده پرچم راهی پرولتاریای جهانی بود، تمام زندگی پر بار خویش را صرف پایه ریزی ایدئولوژی طبقه کارگر و شرکت فعال در رزم این طبقه نمود.

انگلس در ۲۸ نوامبر سال ۱۸۲۰ در خانواده یک بازرگان و صاحب یک کارخانه بافندگی، چشم به جهان گشود. او از او آن جوانی فعالیت سیاسی، فکری و اجتماعی خود را آغاز کرد و پندی نباید که با تاثیر بی که از تماس مستقیم خود با طبقه کارگر گرفت و بررسی عمیقی که بر روی مباحث فرهنگ بشری و جریانهای فکری آن هنگام، به عمل آورد، با در راهی نهاد که او را به جایگاه والای بنیانگذاری ایدئولوژی طبقه کارگر در کنسار مارکس کبیر، رهنمون گشت.

انگلس، اولین اثر مهم تحقیقی خود را در ۱۸۴۴ تالیف کرد. این اثر که نتیجه شرکت فعال او در مبارزه چارتیستها بود و به شیوه ای نقادانه، هوشمندانه بر آثار آرون و اقتصاد دانان کلاسیک انگلیسی فلسفه کلاسیک آلمانی و روشنگری فرانسوی تکیه داشت و هم اکنون نیز دارای اعتبار ویژه است، ”وضع طبقه کارگر انگلستان“ نام دارد. تالیف این اثر، یکسانی سرشتی اندیشه های مارکس و انگلس را آشکار ساخت و در همان سال انتشار آن دیداری بین این دو اندیشمند کبیر، دست داد که طلیعه همکاری و همراهی شمر بخشی گشت که دستاورد آن تدوین مبانی سوسیالیسم علمی بود. آنها، بعد از آشناییشان با یکدیگر، بر آن شدند که راهشان را به طور کامل، از راه ”هگلی های جوان“ جدا سازند. ”خانواده مقدس“ اعلام این جدایی بود. مارکس و انگلس، در این اثر برای نخستین بار، نقش قاطع شیوه تولید در زندگی اجتماعی و مبارزه طبقاتی و نقشش تاریخی - جهانی پرولتاریا، به مثابه نیروی محرک تکامل تاریخی جوامع بشری را باز نمودند. آنها در ادامه فعالیت مشترک، بنا بر نیازهای علمی، تصمیم گرفتند اثر دیگری را به رشته تحریر در آورند که در آن برای نخستین بار خطوط کلی ماتریالیسم تاریخی و تزهای عمده ماتریالیسم دیا لکتیک و کمونیسم علمی، ترسیم گشت. این اثر که برای آن خردمندانه حکم ”سیاه مشق“ را داشت، ایدئولوژی آلمانی نام گرفت. با پدید آمدن طلاطمهای انقلابات ۱۸۴۸ و حرکت های توانمندتر طبقه کارگر، تشکیل این طبقه در یک سازمان سیاسی، به وظیفه ای مبرم بدل گشت. از همین رومارکس و انگلس ”به مجمع کمونیستها“ پیوستند و در آنجا طرح ما نیفت کمونیست را پی ریختند. در سال

رویدادهای
جهانحمایت‌های بین‌المللی از ابتکارات
خاورمیانه‌ای شوروی

شاذلی کلیبی، دبیرکل اتحادیه عرب، طی بیانیه‌ای که در تونس منتشر ساخت، از ابتکار خاورمیانه‌ای جدید اتحاد شوروی پشتیبانی به عمل آورد. وی اشاره نمود که پیش‌نهادهای اتحاد شوروی با طرح صلح مصوبه کفرانس سران کشورهای عربی در تطابق است و مفساد آن، نابه حال بارها از سوی این کشورها مورد تأیید قرار گرفته است. دبیرکل اتحادیه عرب افزود این امر از سوی جامعه بین‌المللی پیش‌پیش‌مورد پذیرش قرار می‌گیرد که حل بحران خاورمیانه با تشکیل یک دولت فلسطینی در مناطق تحت اشغال اسرائیل پیوند دارد.

همچنین پرزد و کویارد بیرکل سازمان ملل متحد طی اظهاراتی در وین، طرح اتحاد شوروی برای خاورمیانه را مثبت ارزیابی کردند. جموری در مکرانیک یمن و سوریه نیز از این طرح پشتیبانی به عمل آوردند. سازمان آزاد بخش فلسطین بر ضرورت تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای بررسی مسأله خاورمیانه که در پیشنهاد اتحاد شوروی در نظر گرفته شده، تأکید و رزید. خبرگزاری فلسطینی "فای‌ام" یاسر عرفات رئیس‌کمیته اجرایی "ساف" به رهبری شوروی را منتشر ساخت که در آن، اشاره شده چنین کنفرانسی تنها راه حل بحران خاورمیانه و مسأله فلسطین است.

از سوی دیگر آمریکا و اسرائیل با طرح ماده ۶ ای اتحاد شوروی، و از جمله، تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی با شرکت همه طرفهای ذینفع، مخالفت کرده‌اند. دولت اسرائیل که گویسی می‌خواست مخالفت عملی خود با این طرح و با هر گونه راه حل صلح آمیز را به نمایش بگذارد، دست به عملیات نظامی جدید در لبنان زد.

تظاهرات در اسرائیل

روز شنبه ۴ اوت، دهها هزار تن از مردم یهودی و عرب در شهر "ام‌الفهم" اسرائیل گرد آمدند تا علیه فاشیسم و نژاد پرستی اعتراض کنند. این تظاهرات، پاسخی بود به انتخاب "هه‌ایر کاهان" کانگستر و فاشیست بعنوان عضو پارلمان اسرائیل. همه ساکنان شهر "ام‌الفهم" و هزاران تن از شهروندان یهودی، مقیم تل‌آویو، بیت المقدس، حیفا و سایر نقاط، در تظاهرات شرکت کردند. ۱۰۰ نماینده از احزاب مختلف که در پارلمان حضور دارند، شهرداران، نویسندگان و هنرمندان معروف در این مراسم سخنرانسی نمودند. رفیق‌ها ایر هیلز، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، طی نطق خود، میتینگ "ام‌الفهم" را واقعه‌ای تاریخی خواند و گفت افرادی

نظیر آریل شارون وزیر جنگ پیشین و از رهبران "لیکود" و یازنرال اینان در نژاد پرستی و تخیلات فاشیستی دست‌کمی از "کاهان" ندارد.

ادامه‌عادی سازی اوضاع لبنان

هیات دولت لبنان مسایل مربوط به تثبیت اوضاع کشور را بررسی قرار داد. موضوع مباحثات، جنگونگی اجرائی برنامه تأمین امنیت بیروت و مناطق کوهستانی "شوف" در شرق بیروت است. به گزارش خبر گزاریهها، اوضاع پایتخت لبنان همچنان آرام است و پاکسازی محله‌هایی که در نتیجه گلوله باران پایتخت از سوی نواهای جنگی آمریکا آسیب زیادی دید نماند، ادامه دارد. فرودگاه بین‌المللی بیروت بطور عادی کار می‌کند. موسسات و سازمانهای مختلف دوباره به کار پرداخته‌اند و فروشاگها با باز است، در مدارس امتحانات نهایی جریان دارد.

رهبر یمن دموکراتیک، ایجاد تشنج
در دریای سرخ را محکوم کرد

علی ناصر محمد رهبر یمن دموکراتیک، عملیات خصمانه در دریای سرخ را که اخیراً در آن، چند کشتی با مین برخورد کرده و آسیب دیدند، محکوم کرده و گفت جمهوری دموکراتیک خلق یمن، با هر تلاشی برای ایجاد میوانسج در راه کشتی رانی آزاد مقابله خواهد نمود. علی ناصر محمد همچنین نسبت به استفاده از این حوادث بعنوان بهانه جهت استتار مداخله امپریالیستها در امور منطقه هشدار داد. رهبر یمن دموکراتیک افزود: "ما با عملیات تجار و زکراته که هدف آنها متزلزل ساختن پایه‌های حاکمیت ملی جمهوری دموکراتیک خلق یمن و دیگر کشورهاست، با قاطعیت مقابله خواهیم کرد."

ضیاء الحق، واسطه "سیا" و اشراغ افغانی

هفته نامه عصر جدید می‌نویسد: ضیاء الحق رئیس‌جمهوری پاکستان، واسطه و بیبه طی مصافحه به ای بایک روزنامه هندی گفت: "این ادعا که "سیا" در پاکستان مجاهدین را مسلح می‌کند، صحت ندارد. اگر صحت داشته باشد، من چیزی در باره آن نمی‌دانم. و اگر من از آن خبر نداشته باشم، سلاح‌هایی تواند از طریق قلمرو پاکستان به مجاهدین افغانی برسد." گویی آقای رئیس‌جمهور، منطق مخصوص به خود دارد. همین اخیراً بود که مجله آمریکایی تایم نوشت "سیا" در سال ۷۵ میلیون دلار اسلحه به اشراغی‌ها داد. این کار از طریق بسیاری ناگون و شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد. از جمله از طریق پاکستان به خاطر داریم که سادات رئیس‌جمهوری مقتول مصر اعتراف کرد هوایی‌های سیا حامل اسلحه از پایگاه‌های واقع در مصر به پرواز آمده و در پایگاه‌هایی در پاکستان فرود می‌آیند. شو لترو زیر خاچه آمریکا در دیدارت باستانی سال گذشته خود از "ارد و گاه آرگان" مکرراً عبارت "ما به اتفاق شما (چنین و چنان) خواهیم کرد" را به زبان راند. ایمن،

تنهایی سخن بی‌محتوی نبود. هم‌اکنون در پاکستان نزدیک به ۱۰۰ اردوگاه وجود دارد که در آن، مسیابه آموزش و تجهیز ضد انقلابیون مشغول است.

البته اسلام آباد هم بیکار ننشسته است. در جمهوری دموکراتیک افغانستان مرتباً جاسوسان پاکستانی به داعی افتند. سربازان ارتش منظم پاکستان که به هیات "مبارزان مسلمان افغانی" درآمده‌اند به قلمرو همسایه شمالی این کشور وارد می‌شوند.

امارات آمریکا که به اسلام آباد کمک نظامی - اقتصادی به ارزش ۳/۲ میلیارد دلار داده‌اند، هنوز این راهم کافی نمی‌دانند. در ماه مه امسال، مهمان عالی‌رتبه دیگری از واشنگتن جورج بوئن معاون رئیس‌جمهور، موکداً رهبری پاکستان خواست کمک خود به ضد انقلاب افغانستان را افزایش دهد. کمتر از یک ماه بعد، روزنامه نگاری بنام جک اندرسون در واشنگتن پست نوشت رئیس‌جمهور پاکستان مایل است به "آوران" سلاح آمریکایی بدهد، یا به عبارت دیگر نقی و اسطه را بیاورد. اما این به اصطلاح "عبرت‌ها"، چندان هم تازه نیست!

"بیانیه جنبش میهنی مورس بی‌شاپ"

در گزارندها، کشور کوچک و اقیانوس در دریای کارائیب که سال گذشته مورد هجوم کدستانه اشغالگران آمریکایی قرار گرفت، میهن پرستان و آزاد یخو اهان مبارزه خود را برای اسیای استقلال کشور بیرون راندن متجاوز، و سعادت می‌بخشند. "جنبش میهنی مورس بی‌شاپ" طی بیانیه‌ای که در سنتر جرجیا تایت گرانادا انتشار یافت خواهان خروج فوری همه واحدهای آمریکایی و نشانگان آنها از گرانادا و همچنین ادامه سیاست اقتصادی مترقی دولت مورس بی‌شاپ گردید. به گزارش خیرگزاری "پرنسالا"، این جنبش قصد دارد در انتخابات ماه اکتبر بعنوان تنها نماینده واقعی منافع خلق گرانادا شرکت کرده و خواسته‌های مذکور را به پلاتفرم انتخاباتی خود تبدیل کند. "جنبش میهنی مورس بی‌شاپ" در بیانیه خود تأکید می‌کند که برای ادامه راه نخست و زیر قید گرانادا، مردمان کشور باید سرنوشت خود را به دست خویش تعیین کنند. جنبش میهنی، در ۲۷ ماه مه سال جاری توسط هم‌زمان و دوستان نزدیک مورس بی‌شاپ و به مناسبت چهلین زادروز او تاسیس گردید.

رئیس‌جمهوری

سابق آرزاتین، بازداشت شد

بدنبال تظاهرات وسیع مادران "ناپدید شدگان" آرزاتینی و سایر مردم این کشور، نوزاد خورخه هیدالا دیکتاتور نظامی اسبق آرزاتین بازداشت شد. مقامات قضایی، که به درخواست دولت راتول آلفونسین رئیس‌جمهور، تحقیقات در باره سرنوشت هزاران "ناپدید شده" در دوران حکومت نظامیان را آغاز کرده‌اند، به مدارک زیادی دال بر مقصر بودن هیدالا دست یافتند.



فضولی موقوف!

چندی قبل آقای غرضی وزیر نفت در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در یک جلسه بحث آزاد شرکت می کند . در این جلسه اساتید و کارشناسان اقتصاد حضور داشتند . در پایان سخنرانی غرضی ، سئوالات حضار طرح می شود . یکی از حاضرین که کارشناس سازمان برنامه و بودجه بود ، می پرسد علت تفاوت در رقم درآمد های وزارت نفت و مبلغ پرداختی این وزارتخانه به دولت چیست ؟ او این تفاوت را یک میلیارد و شصصد و پنجاه میلیون تومان می دانست و می خواست بداند که این پول به کجا رفته است . غرضی که از پاسخ دهی عاجز بود با توضیحات کوتاه و نامربوطی کوشید بحث را در زیرگیرد . کارشناس مزبور ضمن نا کافی شمردن این توضیحات سئوال خود را تکرار کرد . غرضی خشمگین شده و در پشت تریبون فریاد کشید که " من حاضر نیستم اینجا باشم! بحث کنم . باید بلند شوی و با هم به دانشگاه برویم . . . تو می خواهی علیه جمهوری اسلامی تهمت بزنی . باید دستگیر شوی و سزای کارت را ببینی " در پی این توضیح مستدل غرضی ، جلسه بهم می ریزد و اعضا آنجمن اسلامی کارشناس مزبور را کشتان کشتان از جلسه خارج کرده و بسا خود می برند .

اعلام آمادگی یا شاخ و شانه کشیدن برای مردم

هم زمان با اوج گیری تشنج در خلیج فارس ، سپاه پاسداران در روز چهارم خرداد دست به مانور راهپیمایی سراسری زد . این مانور که ظاهراً به بهانه نشان دادن آمادگی برای مقابله با امپریالیسم انجام یافت در حقیقت به منظور ارعاب مردم طراحي شده بود . رژیم می خواست با کشتن همه نیرو های انتظامی و امنیتی به خیابانها ، قدرت خویش را نشان دهد و وانمود کند که گویا همواره ارگانهای سرکوب بر همه چیز و همه جامه تسلط هستند . به این منظور از چند روز قبل شهر عملاً در وضعیت آشکار حکومت نظامی قرار گرفت . تعداد انبوهی از اتومبیل های گشت ارگانهای مختلف همراه با هزاران اکیپ موتور سواریها با هزاران تهران را قرق کردند . موتورها های دارای دو یا سه سر نشین از یک چهارراه به سوی چهارراه بعدی می رانند و همزمان اکیپ دیگری از موتور سواریان همین مسیر را بالعکس طی می کنند . هزار چند گانه سر نشینان

موتور سیکلت ها تعویض می شدند . سر نشینان تازه ای باریخت و قیافه دیگری این وظیفه را بر عهده می گرفتند . عابری که مسیر میان دو چهارراه مجاور را طی می کرد حتماً در طول این مسیر کوتاه ، سه چهار بار با موتورهای گشت برخورد می کرد . موتور سواریان که تماماً مسلح بودند ، با سرو صدا و پیرایه می کوشیدند حضور خود را نمایش دهند . با هر بهانه ای عابری را متوقف و بازرسی می کردند و وعده زیادی را تحت عنوان مشکوک توقیف کردند . هیچگاه مردم تهران این همه موتور سواری را در خیابانها ندیده بودند . این در حالی است که بخاطر ایذای ماموران ، مردم به آسانی نمی توانند از موتور سیکلت برای رفت و آمد استفاده کنند . همه موتور ها باید شماره شده و موتور سواریان موظفند گواهینامه به همراه داشته باشند . موتورهای سنگین به محض دیده شدن ضبط می شوند . حتی تردد با موتورهای گازی هم با هزار اشکال صورت می گیرد .

شلتاق موتور سواریان و اتومبیل های گشت در تهران این بارینج روزه طول انجامید و سپس ابعاد معمولی به خود گرفت . ابعاد که خود بسیار گسترده است . این وضعیت در تهران با استفاده از هر فرصتی نظیر انتخابات و تکراری شود .

دانشگاه خاموش نمی شود

با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی با اخراج و دستگیری و سیخ دانشجویان و استادان ، و با سیستم گزینش بخایت ارتجاعی کوشیده است تا دانشگاههای کشور را در انحصار و کنترل خود درنگ داشته باشد اما دانشجویان و همچنین استادان از هر فرصتی برای بیان اعتراض استفاده می کنند . علیرغم سببانه ترین شرایط سرکوب در دانشگاههای کشور حرکات اعتراضی خاموش نشده است . مابیش از این نمونه هایی از آن را در همین صفحه درج کرده بودیم . اینک به نمونه های دیگری اشاره می کنیم .

— اخراج يك دانشجو از کلاس در اراک باعث اعتراض جمعی دانشجویان می شود . دانشجویان با تجمع در اطاق رئیس دانشگاه خود استار لغو تصمیم مزبور و اجتناب از اتخاذ تصمیمات مشابه می شوند . دانشجویان دانشگاه آزاد با شرکت در یک حرکت دسته جمعی صنفی محو استار میشوند تا به آنان نیز مانند دانشجویان دیگر دانشگاههای کشور مردم رکن تحصیل داده شود .

— در دانشکده فنی دانشگاه تهران عدّه ای از اساتید دست به اعتصاب زد و از رفتن به کلاسهای درس خودداری می کنند . آنها به بیسوادی گروهی از دانشجویان جدید ، که برگزیده ارگانها و نهاد های حکومتی بودند ،

اعتراض داشتند . — دانشجویان مرکز تربیت معلم نسیم به مدت يك روز در محل دانشکده متحصن می شوند . برای این دانشجویان که در رشته ورزش تحصیل می کنند ، کلاسهای عربی ، تعلیمات دینی و . . . گذاشته بودند و در عوض از ساعات آموزشهای علمی کم کردند . دانشجویان به این تصمیم معترض بودند .

— در مرکز آموزش پرستاری دختران (وابسته به وزارت بهداشت) برخی از دانشجویان به اجباری شدن مقنعه اعتراض می کنند که موفق نمی شوند .

— در یکی از دانشکده های دانشگاه تهران محل سلف سرویس را با نصب پرده به دو قسمت تقسیم می کنند . يك قسمت را که بسیار هم کوچک بود به دانشجویان دختر اختصاص می دهند . دانشجویان دختر به این اقدام و ناگافی بسودن جدا اعتراض می کنند که مسغولین و انجمن اسلامی به آن توجهی نمی کنند .

مسکن مشکل دیگر دانشجویان

در سال تحصیلی گذشته دانشجویان شهرستانی برای تهیه مسکن با مشکلات لاینحلی روبرو بودند . بسیاری از آنها با لاخره نتوانستند اطاقی را اجاره نمایند و به ناچار تا پایان سال در مسافرخانه ها بسربردند . خوابگاههای دانشجویی که بیش از ظرفیت خود دانشجویان داشت ، قادر به پذیرش هزاران دانشجوی جدید نبود . در همه اطاقهای خوابگاهها تاد و برابر تخت گذاشتند . سلف سرویس ، سالن مطالعه و در مواردی حتی در دفتر خوابگاه ها هم تخت زدند اما باز هم تعداد انبوهی دانشجویان بقیه در صفحه ۵

AKSARIYAT
NO.19
FRIDAY.10AUGUST84

Address	آدرس
POSTFACH 23007 6500 MAINZ 23 W. GERMANY	آلمان فدرال
P.O. BOX 101 LONDON N17 6YU ENGLAND	انگلستان
P.O. BOX 66156 LOS ANGELES, CA 90086 USA	ایالات متحده
C.P. 3125 00122 OSTIA LIDO (ROMA) ITALY	ایتالیا
P.O. BOX NO 3018 NEW DELHI - 110003 INDIA	هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا